

همانقدر کوشش لازم دارید که برای اهل کردن شیطان " (You might as well try, (۲۰۴) to raise and improve the devil as a brickie, Sir !)".

در گزارشهای بهداشت عمومی " Public Health Report " جلد چهارم (۱۸۶۳) و جلد ششم (۱۸۶۴) میتوان اطلاعات رسمی و رسمی در باره نحوه صرفه جویی کردن سرمایه داری از شریک کار در مانوفاکتورهای جدید بدست آورد. (مقصود ما در اینجا کلیه کارگاههای بزرگ بغیر از کارخانه بمعنای خاص است) توصیف کارگاهها، (Workshops) بهره کارگاههای چاپ و دوزندگی لندن، مافوق تمام آن داستانهای برانگیزنده ای است که رمان نویسان ما تصور کرده اند. تا شریک این احوال در وضع سلامت کارگران بدیهی است. دکتر سیمون Simon، که ریاست دایره پزشکی انجمن مخصوص " Privy Council " را برعهده دارد و نیز نویسنده رسمی گزارشهای بهداشت عمومی است از جمله چنین میگوید: " در چهارمین گزارش خود (۱۸۶۳) نشان داده ام چگونه عملاً برای کارگران غیر ممکن است که از مقدار ماتی ترین حق بهداشتی خود دفاع کنند، یعنی از حقی که بموجب آن کارفرما باید بکوشد برای عملی که آنها را جمع میکند، تا آنجا که در اختیار او است، کار از شرایط غیربهداشتی واجتتاب پذیر صرا باشد. من نیز این نکته را ثابت کرده ام که در صورتیکه کارگران خود عملاً قادر به بدست آوردن این مسدودالت بهداشتی نباشند نمیتوانند هیچگونه کمک موثری از جانب ما مهران بهداشتی انتظار داشته باشند. . . . اکنون زندگی میانیها کارگزاران و مرد در نتیجه رنجهای بی پایان جسمانی ای که فقط نتیجه شغل آنهاست بهبود و در شکست است و کوتاه میگردد (۲۰۵) برای نشان دادن تا شریک کار در وضع سلامت کارگران، دکتر سیمون سباهه مرگ و میر زمین را میآورد:

نسبت مرگ و میر در هر یکصد هزار نفر مرد بر حسب سن و سال آنهاد و سنای مورد بحث			مقایسه صنایع از لحاظ بهداشتی	عدد افراد از هر سن و سال که در صنایع مورد بحث اشتغال دارند
از ۲۵ تا سال ۳۵	از ۳۵ تا سال ۴۵	از ۴۵ تا سال ۵۵		
۷۴۳	۸۰۰	۱۱۴۰	کشاورزی در انگلستان و گال	۹۰۸۲۱۵
۹۰۸	۱۲۶۲	۲۰۹۳	خیاطان لندن	مرد ۲۲۳۰۱ زن ۱۲۳۷۹
۸۹۴	۱۷۴۷	(۲۰۱) ۳۶۷	چاپگران لندن	۱۳۸۰۳

" Child. Empl. Comm., V. Report, 1866 ", XVI, N. 96-97 and (۲۰۴) P. 130, N. 39-61.

و نیز بگزارش سوم همین کمیسیون سال ۱۸۶۴ صفحات ۴۸ و ۵۶ مراجعه شود.

" Public Health, VI. Report ", London 1864, P. 31. (۲۰۵)

(۲۰۱) همانجا صفحه ۳۰ - دکتر سیمون متذکر میشود که مرگ و میر خیاطان و چاپگران لندن از ۲۵ تا ۳۵ سال در واقع به مراتب بیشتر است زیرا کارفرمایان آنها عدد کثیری از جوانان تا حدود ۳۰ سال را بعنوان کارآموز و " improvers " (کسانی که میخواهند حرفه خود را تکمیل کنند) از تواجی روستائی میآورند و این افراد در آثارها بمشابه ساکنین لندن تلقی میشوند و بر عدد کسانی که نسبت مرگ و میر لندن بر حسب آن حساب میشود میافزایند، بدون اینکه بهمان نسبت در مرگ و میر لندن شرکت داشته باشند. زیرا قسمت اعظم این افراد مخصوصاً در موارد بکفر فتا بیمارهای سخت میشوند بروستای خود مراجعت میکنند (از همانجا)

د - کارخانگی جدید

اینک من بکار با اصطلاح خانگی میبود ازم. برای اینکه از این محیط استثمار سرمایه داری، که در پیخانه صنعت بزرگ ایجاد شده است، تصویری بدست آید و غرائب آن درك شود مثلا میتوان صنعت میخ گیری برخی از دهک های دور افتاده انگلستان را که نمائی کاملا شاعرانه دارد مورد توجه قرار داد (۲۵۷) ولی در اینجا ما برخی نمونه ها از رشته های توری بافی و حصیر بافی قناعت میکنیم، که در آنجا هنوز ماشین مورد استعمال نیافته و پاره رشته هائی که با کار ماشینی و مانوفاکتوری سروکار دارند در رقابت قرار گرفته است. از ۱۵۰۰۰۰ نفری که در صنعت توری بافی انگلستان اشتغال دارند تقریبا ۱۰۰۰۰ نفر تحت حکومت قانون کارخانجات ۱۸۶۱ قرار میگیرند. عدد عظیمی که ۱۴۰۰۰۰ نفر باقیمانده را تشکیل میدهند مرکب است از زنان، بچه سالان و کودکان از هر دو جنس، اگرچه نسبت جنس مذکور در این میان ضعیف است. وضع سلامت این وسائل بهره کشی "ارزان قیمت" از جدولی که دکتر ترومن Truman، پزشک کلینیک عمومی ناتین گام Nottingham ترتیب داده و ذیلا آورده میشود، معلوم میگردد. از ۱۸۶۱ نفر زنان توری بافی بیمار، که اغلب بین ۱۷ و ۲۴ سال داشته اند، عدد مبتلایان به تب لازم بقرار زین است:

۱۸۵۲	۱ در هر ۴۵ نفر	۱۸۵۷	۱ در هر ۱۳ نفر
۱۸۵۳	۱ در هر ۲۸ نفر	۱۸۵۸	۱ در هر ۱۵ نفر
۱۸۵۴	۱ در هر ۱۷ نفر	۱۸۵۹	۱ در هر ۹ نفر
۱۸۵۵	۱ در هر ۱۸ نفر	۱۸۶۰	۱ در هر ۸ نفر
۱۸۵۶	۱ در هر ۱۵ نفر	۱۸۶۱	۱ در هر ۸ نفر (۲۵۸)

این پشرفتی که در نسبت تب لازمیها پیدا شده باید برای خوش بین ترین ترقیخواهان و دروغ پرد ازترین پادوان العائی تجارت آزاد کافی باشد.

قانون کارخانجات ۱۸۶۱، چنانکه معمول انگلستان است، توری بافی بمعنای خاص یعنی آن قسمتی را که بوسیله ماشین انجام میگردد تحت مقررات در آورده است. ولی رشته هائی را که مادر اینجا مختصرا تحت مطالعه قرار میدهم مربوط بآن کارگرانی نیست که در مانوفاکتوری و فروشگاهها کار میکنند بلکه فقط مربوط بانتهائی است که بنام کارگر خانگی خوانده میشوند. این رشته های خانگی بدو بخش تقسیم میشوند:

۱- بخش برداخت کاری finishing (یعنی آن بخشی که آخرین عملیات تکمیلی را بروی توریهای ماشین ساخته انجام میدهد و بنوبه خود مشتمل بر مترعات عدیده است). ۲- قلاب بافی.

برداشت بصورت کارخانگی، یاد رجا هائی انجام میگردد که بنام "Mistresses Houses" (یعنی خانه استاد بانو) خوانده میشوند و یا بوسیله زنانی انجام میشود که تنها هستند و یا با اطفال خود در خانه خویش کار میکنند. زنانی که خانه های "استاد بانوئی" را اداره میکنند خود مردم فقیری هستند. محل کار جزئی از خانه شخصی آنهاست. آنان از کارخانه داران، صاحبان فروشگاهها و غیره سفارش میگیرند و زنان، دختران و پسرچه هارا، بر حسب وسعت اطاقهائی که در اختیار دارند و نوسان تقاضای کالا، بکار میگیرند. تعداد کارگران زنی که استخدام میشوند در برخی از این خانه ها ۲۰ تا ۴۰ نفر و در بعضی دیگر ۱۰ تا ۲۰ نفر است. حد اقل متوسط سن کودکان برای آغاز باین کار ۶ سال است ولی معدلك اتفاق میافتد که اطفال کمتر از ۵ سال بکار گرفته میشوند، زمان معمولی کار از ساعت ۸ صبح تا ۸ شب

(۲۵۷) در اینجا سخن بر سر میزگیری باجکی است نه آن میخهائی که بوسیله کار ماشینی ساخته میشوند. مراجعه کنید به: Child. Empl. Comm. گزارش سوم "صکجات ۱۹۱۱" شماره ۱۲۵-۱۳۰ و صفحه ۵۳ شماره ۱۱، صفحه ۱۱۴ شماره ۸۸۷ و صفحه ۱۲۷ شماره ۱۷۴.

(۲۵۸) "Child. Empl. Comm., II Report", P. XXII, N. 166.

ادامه پیدا میکند و یکساعت و نیم برای غذاها در نظر گرفته شده است که بطور غیر مرتب و غالباً در گوشه و کنار متعین همین کارگاهها صرف میشود. بهنگام شیروانی بازار غالباً کار از ساعت ۸ صبح (بعضی اوقات از ۷ صبح) تا ساعت ۱۰، ۱۱ و ۱۲ شب ادامه دارد. در سربازخانه های انگلیس فضائی که برای هر سرباز مقرر شده ۵۰۰ تا ۶۰۰ و در درمانگاههای نظامی ۱۲۰۰ فوت مکعب است. ولی در هر يك از این زاغه کارگاهها بهترین بیش از ۱۲ تا ۱۰۰ فوت مکعب نمیرسد. در عین حال روشنائی گاز، اکسیژن هوا را میخورد. برای اینکه تهرها کثیف نشوند غالباً کودکان را مجبور میکنند که کفشهای خود را، حتی در زمستان و با وجود اینکه کف زمین از سنگواره و آجر فرش شده است، بکنند. در ناتینگام بدن منظره ۱۴ تا ۲۰ کودک، که در اطاق کوچکی با گنجايشی در حدود ۱۲ فوت مربع در هم فشرده شده اند، امری غیر عادی نیست. اینان ۱۵ ساعت از ۲۴ ساعت را بکار خسته کنند، از یاد آورنده و بکنواختی در میان همه گونه شرایط غیر صحتی، اشتغال دارند. حتی کوچکترین کودکان با چنان دقت و سرعت پیگیری کار میکنند که شگفت آور است زیرا تهرها هیچگاه نمیتوان انگشتان آنها را در حال سکون یا با حرکت آهسته توی دید. اگر از آنها استوالی شود، از ترس اینکه مادا يك لحظه از دست دهند، چشم از کار برنمیدارند. "چوب دراز" یکی از وسائلی انگیزنده ای است که "استاد بانو"، آنگاه که تعداد زمان کار لازم آید، بکار میرود. رفته رفته کودکان خسته میشوند و در پایان این اسارت ممتد و بستگی بکاری بکنواخت که چشماترا میآزارد و در نتیجه يك شکل قرار گرفتن وضع بدن کشنده است، مانند پرندگان پرور میزنند. این واقعا کاری مرد مورست (۲۸) آنجا که زنان با فرزند ان خود در خانه کار میکنند، یعنی بمصداق کنونی آن هنگامیکه در خانه ای اجاره ای که اغلب زیر شیروانی است بکار اشتغال دارند، وضع تا سرحد ممکن از آنها بدتر است. این نوع کار در شعاع ۸۰ میلی اطراف ناتینگام رایج است. هنگامیکه کودکان مشغول در فروشگاهها محل کارانه ساعت ۹ یا ۱۰ شب ترك میکنند باز اغلب هسته ای به آنها میدهند تا آنرا در خانه آماده نمایند سرما بدهد. در وسیله یکی از نوکران مزدور خود با زبانی چرب و نرم با او میگوید "این برای ما مان تو است"، ولی وی بخوبی میداند که طفل بیچاره باید خود بیدار بماند و يك كند (۲۹).

صنعت توری باقی با اقلاب بطور ممتد در دو بخش کشاورزی انگلستان انجام میگردد: بخش هونیتون Honiton که در حدود ۲۰ تا ۳۰ میل در طول کناره جنوبی و در Devonshire قرار گرفته است و علاوه بر آن شامل چند ناحیه از دون Devon شمالی نیز میشود و بخش دیگر که شامل قسمت اعظم قسمت نشینهای باکینگهام Buckingham، بدفورد Bedford، نورثامتون Northampton و قسرا مجاور آکسفوردشایر Oxfordshire، و هانتینگدن شایر Huntingdonshire میگردد. منازل روستائی و ریزمزد ان کشاورزی عادتاً کارگاه این صنعت است. برخی از صاحبان مانوفاکتور همیشه از ۳۰۰۰ نفر از این قبیل کارگران خانگی را در استخدام دارند که بطور عمده مرکب از کودکان و جوانان نابالغ و بدون استثناء ازانات هستند. آنچه که در باره پرداخت کاری گفته شد در اینجا نیز صدق میکند. قطبجای خانه های "استاد بانو" آنچه که آموزشگاههای توری باقی face schools خوانند، میشوند و بوسیله زنان فقیری در کلبه های خود اداره میشوند، قرار گرفته اند. کودکان از سن پنج سالگی و حتی زودتر از آن تا سن ۱۲ یا ۱۵ سالگی در این با اصطلاح آموزشگاهها کار میکنند. خرد سالترین کودکان در ابتدا چهار تا هشت ساعت بکار مشغولند و سپس کار از ساعت ۶ صبح تا ۸ یا ۱۰ شب ادامه پیدا میکند. اطاقها بطور عموم عمارت از همان کاشانه های کوچک روستائی است. برای اینکه سرما وارد اطاق نشود سوراخ بخاری سدود شده است و آنها که در آن اطاقها کار میکنند حتی گاه در زمستان نیز

"Child. Empl. Comm. II. Report, 1864" P. XIX, XX, XXI.

(۲۸)

(۲۹) همانجا. صفحه XXI و XXVI.

جز حرارت بدن خود برای گرم شدن چیزی ندارند. موارد دیگری وجود دارد که این با اصطلاح آموزشگاهها عبارت از اتاقهای انبارمانندی هستند که فاقد وسائل گرم کردن میباشند. این سراخها چنان پراز افراد است که غالباً فساد هوای مورد تنفس بحد اعلی میرسد. بعلاوه باید تا "شیرینان اورجوبهارهسا، گند ابروها و مواد متعفن و کثافتی که معمولاً در مجاورت خانه های کوچک روستائی قرار دارند بحساب آهیم".

و در باره فضائی که در اختیار کارگران است: در یکی از آموزشگاههای توری بافی که مرکب از ۱۸ دختر و یک معلمه است، بهرکس ۲۵ فوت مکعب میرسد؛ در آموزشگاه دیگری، که بوی تعفن غیرقابل تحمل بود، بهرکس ۱۸ نفر سرانه بیش از ۲۴ فوت و نیم نمیرسد. در این رشته از صنعت کودکان دو ساله و دو سال و نیمه نیز دیده میشوند (۲۶۱).

در آن بخشهایی از کنت نشینهای باکینگهام و بدفورد که دیگر توری بافی نمیشود حصیر بافی آغاز میگردد. این صنعت قسمت بزرگی از هر تفورد شایر Hertfordshire و مغرب و شمال اسکس Essex را در بر میگیرد. در سال ۱۸۶۱ در حصیر بافی یکلاسه حصیر سازی ۴۰۰۴۲ نفر کار میکردند که از آن میان ۳۸۱۵ نفر افراد ذکور از هر سنی بودند و بقیه را افراد اناث تشکیل میدادند. ۱۴۹۱۳ نفر از این عده کمتر از ۱۰ سال داشتند و ۷۰۰۰ نفر آنان کودکان بودند. بجای آموزشگاههای توری بافی در اینجاست "آموزشگاههای حصیر بافی straw plait schools" قرار گرفته اند. آموزش کودکان در این قبیل آموزشگاهها معمولاً از سن چهار سالگی و بعضی اوقات بین ۳ و ۴ سالگی آغاز میگردد. بدیهی است از پرورش کودکان سختی در میان نیست. خود اطفال دبستان ابتدائی را "natural schools" (مدارس طبیعی) اسم گذاری کرده اند تا تفاوت آن با بنگاههای معلوم گردد که خوششان را ز الوار میکنند و آنها را آنقدر سرکار نگاه میدارند تا ۴۰ یارد حصیر روزانه ای را که مادران نیم گرسنه شان دستور داده اند تمام کنند. این مادران کودکان مزبور را غالباً وادار میکنند که تا ساعت ۱۰، ۱۱ و ۱۲ شب کار کنند. حصیر آنکستان آنها و نیز دهانشان را، که بوسیله آن دانشا حصیر را مرطوب میکنند، میرد.

بنا بر خلاصه ای که دکتر بالارد Dr. Ballard از مجموع نظریات کارمندان پزشکی لندن داده است، ۳۰۰ فوت مکعب حداقل فضائی است که برای هرکس در یک اتاق خواب یا اتاق کار لازمست. ولی در آموزشگاههای حصیر بافی صرفه جویی در فضا بیشتر از آموزشگاههای توری بافی است بطوریکه بهر نفر ۱۲، ۱۷، ۱۸، ۵ و خلاصه با بیشتر از ۲۲ فوت مکعب میافتد. بازرس وایت White میگوید: کوچکترین این ارقام کمتر از نصف فضائی است که یک کودک، در صورتیکه بخواهند او را بسته بندی کنند، در یک قوطی ۳ فوتی با هر ابعادی که فرض شود اشغال خواهد نمود. اینست بهره ای که کودکان بین ۱۲ و ۱۴ سال از زندگی میبرند. اولیا این اطفال که تیره روزی و بد بختی چشمان آنها را بسته است هیچ فکر دیگری جز این ندارند که تا سرحد امکان کودکان را مورد استفاده قرار دهند. بدیهی است این فرزند ان هنگامی که بزرگ شدند دیگر تیره ای برای والدین خود خرد نمیکند و آنها را میگذرانند و میروند. هیچ جای شگفتی نیست که نادانی و فساد در میان جماعت بد پیمان بار آمده ای از حد بگذرد. اخلاق آنها شبیه پست ترین درجات تنزل کرده است. عده بسیاری از زنان دارای فرزند ان نامشروعند و برخی از این مادران چنان خرد سالند که موجب وحشت آمارهای جنائی میگردد (۲۶۲). و زادگاه این خانواده های نمونه آن کشوری است که کنت مونتالامبرت Montalembert کارشناس خبره امور مسیحیت آنرا نمونه اروپای مسیحی میخواند |

"Child. Empl. Comm., II. Report, 1864", P. XXIX, XXX. (۳۱)

(۳۲) همان سند. صفحه ۲۱ و ۲۱.

دست مزد، که در شعبه های صنعتی مورد بحث بطور کلی رقت بار است (حد اکثر مزد کودکان در آموزشگاههای حصیریافی استثنائاً ۳ شلینگ در هفته است)، بوسیله اسلویی که عموماً و بویژه در مناطق توری بافی حکم فرماست و بنام Trucksystem (یعنی سیستمی که کالا بجای مزد داده میشود) معروف است، با زهم به مراتب پایین تر از مبلغ اسمی خود قرار میگیرد (۲۶۳) .

ه - گذار مانوفاکتور جدید و کارخانگی به صنعت برزگی،

تسریع این انقلاب بوسیله سرایت دادن

قوانین کارخانه به شیوه های مزبور

تنزل دادن قیمت نیروی کار بوسیلهٔ سوء استفاده از نیروهای کار زنان و افراد نابالغ، از راه دزدی صاف و ساده از کلیه شرایط عادی کارروندگی و خشونت در مورد کار طاقت فرسای شبانه، آخر سر به مرزهای طبیعی غیر قابل عبوری برخورد میکند و در دنبال خویش اوزان شدن کالاها و بطور کلی استثمار سرمایه داری را نیز، که بر آن اساس قرار دارد، متوقف میسازد. آنگاه که بالاخره این لحظه پس از دوره طولانی ای سر میبرد، ساعت بکار انداختن ماشین آلات بعد از رمیاید و سیستم کارخانه بسرعت جانفشین پراکندگی کارخانگی و حتی مانوفاکتور میگردد.

بارزترین مثال برای نشان دادن این تحول عبارت از تولید اقلیمی است که از توابع لباس دوزی هستند و در انگلیسی "Wearing Apparel" اصطلاح شده است. بنا بر طبقه بندی "کمیسون کارکودکان" صنعت مزبور شامل صنایع ذیل میگردد: کلاه حصیر دوزی، کلاه دوزی زنانه، کپی سازی، خیاطی مردانه و زنانه، دوزی (۲۴) پیراهن دوزی، کمرست سازی، دستکش سازی و کفافی و نیز برخی از شعبه های فرعی مانند کراوات و یقه دوزی و غیره. در سال ۱۸۶۱ تعداد زنانی که در ایالت انگلیس و گال باین صنعت اشتغال داشتند به ۵۸۱۲۹۸ نفر میرسید که از میان آنها ۱۱۵۲۴۲ نفر کمتر از ۲۰ سال و ۱۶۶۵۰ نفر کمتر از ۱۵ سال داشتند. در مجموع کشور انگلستان تعداد زنان کارگر به ۷۵۰۳۳۴ نفر میرسید (۱۸۶۱). تعداد مردانی که در همان زمان در صنایع کلاه، کفش و دستکش دوزی و خیاطی اشتغال داشتند بالغ بر ۴۳۷۹۶۹ نفر میگردد بد که از آنمیان ۱۴۹۶۴ نفر کمتر از ۱۵ سال داشتند و ۸۹۲۸۵ نفر بین ۱۵ و ۲۰ سال بودند و ۳۳۳۱۱۷ نفر نشان از ۲۰ سال متجاوز بود. در ایسن آمار بسیاری از رشته های کوچکی که بهمین صنعت مربوطند منظور نگردیده است. ولی اگر ما ارقام مزبور را همانطور که هستند به پیچ بریم، آنگاه طبق سرشماری ۱۸۶۱ تنها برای ایالات انگلیس و گال، مجموعاً ۱۰۲۴۲۷۷ نفر در صنعت مزبور اشتغال داشته اند یعنی تقریباً مساوی با افرادی که در کشاورزی بود امپوری مشغول بوده اند. در رجا این نکته درک میشود که ماشینیم بچه منظور این توده های عظیم محصول راجاد و گرانه خلق میکند و از چه رویه "آزاد ساختن" چنین توده های عظیم کارگری کطک مینماید.

تولید "Wearing Apparel" خواه بوسیله مانوفاکتور انجام میشود، که در درون خود قطعه همان تقسیم کار برانجدید میکند که اعضا منفصلش در خارج وجود دارند، خواه بوسیله استادان پیشه و کوچکی انجام میگردد، که دیگر مانند گذشته برای مشتریهای شخصی خود نمیسازند بلکه برای مانوفاکتورها و فروشگاهها کار میکنند، پنحوی که غالباً سرتاسر شهرها و مناطق معین به کار در این رشته ها

(۲۳) " Child. Empl. Comm., I. Report, 1863 ", P. 185.

(۲۴) Millinery در واقع قطعه بهمان کارهایی اطلاق میشود که در زبان آلمانی Kopfputz

میگویند ولی پالتو و ژاکت زنانه نیز میدویند. اما Dressmaker ها عیناً همان

Putzmacherin های ما هستند.

اشتغال دارند و رشته های مزبور از قبیل کفاشی و غیره بمثابه کار ویژه آنها تلقی میگردد ، و خواه تولید مزبور بقیاس وسیعی توسط آنچه "کارخانگی" اصطلاح کرده اند انجام میشود که در واقع شعبه های خارجی مانوفاکتورها ، فروشگاهها و حتی استادان کوچک را تشکیل میدهند (۲۱۵) . توده های مصالح کار ، مواد خام و مواد نیم ساخته و غیره را صنعت بزرگ تحویل میدهد و توده های مصالح انسانی ارزان قیمت که (tailorable à merci et miséricorde) هستند (یعنی بد لخواه و کرامت صاحب کار بسته اند) ، عبارت از آن کارگرانی هستند که صنعت بزرگ و کشاورزی آنها را "آزاد ساخته است" بطور عمد و منشا پیدایش این قبیل مانوفاکتورها احتیاج سرمایه دار به ارتش کارگری تحسینی اختیاری است که آماده مقابله با هرگونه نوسان در تقاضای کالا باشد (۲۱۶) . با این وجود مانوفاکتورها مزبور صنایع پیشه روی و خانگی پراکنده را ، بر مبنای وسیع ، در جنب خویش باقی گذارند . تولید اضافه ارزش گزاف در این شعبه های کار و تنزل در جیبی بهای اقلام کالاهای مختلف آن بطور عمد و معلول دستمزدها بخور و میوه اقل بود و هستند که باعث اکثر زمان کار قابل انجام انسانی تلفیق میگردد . درست همین ارزانی عرق جبین و خون انسانی بکالای پل شده است که بازار فروش را تا واسطه تراهر روز گسترده تر ساخت . برای انگلستان این جریان بویژه در مورد بازار مستعمراتی که در آنجا نیز عادات و سلیقه انگلیسی حکومت میکنند ، صادق است . سرانجام نقطه ای گرهی در رسیدن پایه شیوه قدیم ، یعنی بهره کشی ساده و خشونت آمیز مصالح انسانی همراه با تقسیم کار قانونمندی که کمابیش تکامل یافته بود ، دیگر نمیتوانست جوابگوی توسعه روز افزون بازار رشد سریعتر رقابت سرمایه داران باشد . نوبت ماشینیسم در رسیدن بود . ماشین دوزندگی ماشینی انقلابی قطعی است که همه شعبه بیشتر این محیط تولیدکننده از قبیل جامه دوزی ، مد ، خیاطی ، سوزن زنی ، کلاه دوزی و غیره را ، در بر گرفت .

ماشینی که ماشین دوزندگی بروی کارگران نمود تقریباً برابر با تاسیس کلیه ماشینهای بود که در دوران صنعت بزرگ بر رشته ای از صنعت حاکم شدند . خرد سالترین کودکان از این صنایع بهره بردار شدند دستمزدها کارگرانی که با ماشین کار میکردند نسبت به دستمزدها کارگران خانگی ، که بسیاری از آنها در عداد "اقرقره" "the poorest of the poor" بشمار میآمدند ، ترقی نمود . دستمزدها بهترین پیشه وران ، که ماشین با آنها رقابت بود ، تنزل کرد . کارگران جدیدی که با ماشین کار میکردند ضحصراد ختران و زنان بودند . اینان بکمک نیروی مکانیک ، انحصار مردان را در امور شوار از بین بردند و زنان پسر و اطفال نابالغ را از کارهای آسان راندند . رقابت قوی پنجه دست کاران ضعیف را بزمین زد . ترقی هولناک تعداد کسانی که در لندن طی دهه های اخیر جان سپردند death from starvation

بموازات توسعه ماشین دوزندگی ، جریان یافت (۲۱۷) . زنان کارگری که تازه با ماشین دوزندگی کار (۲۱۸) millinery و dressmaking انگلیسی غالباً در کارگاههای متعلق بکارفرما انجام میگردد ، خواه بوسیله زنان کارگری که اجیر شده و در همانجا منزلت دارند و خواه بوسیله روزمزدانی که در خارج از کارگاه بسر میبرند .

(۲) اصطلاحیست که در فرانسه بکار میروند و معنی آن اینست که بد لخواه ارباب باید مالیات میبرد اختسد و بیگاری میکردند .

(۳) بازرسی وایت White از مانوفاکتوری که لباس نظامی میدوخت بازید کرد . این مانوفاکتور ۱۰۰۰ تا ۲۰۰ نفر کارگرداشت که تقریباً همه زن بودند . و نیز از مانوفاکتور کفش دوزی ای با ۳۰۰ کارگرد یسدن نمود که قریب نیمی از آن کارگران کودکان و کمسالان و غیره بودند .

(۴) يك نمونه در ۲۵ فوریه سال ۱۸۹۴ گزارش هفتگی متوقیات ثبت کل احوال (General Registrar) موردمرک در اثر گرمنگی ثبت نموده بود . در همان روز روزنامه تایمز يك مورد پسر از از گرمنگی مردگان را اعلام داشت . شش قربانی گرمنگی در یک هفته !

میکردند و ماشین رانشسته یا ایستاده، بادست و پاتوا^{۱۸} و پاتشپادست، برحسب سنگینی و بزرگی یا تخصص آن، بحرکت درمیاوردند، درواقع نیروی کار بسیاری مصرف مینمودند. با اینکه کار آنها غالباً کوتاهتر از آن بود که در سیستم قدیمی انجام میدادند معذلك نظر بطول پروسه کار برای سلامت آنها زیان آور بود. هرچاکه ماشین دوزندگی درکارگاههای کوچک و تنگی مانند کفاشی، کرسند وزی وکلاهدوزی و غیره وارد میشود شرایط غیربهداشتی کاررانیادتر میکنند. بازرسی بنام IORD میگوید: «هنگامیکه شخص وارد یکی از این کارگاههای سقف کوتاه میشود، که در آنجا ۳۰ یا چهل نفر کارگردران واحد باثباتن کار میکنند، مواجه با احساس غیرقابل تحملی میشود. حرارت این کارگاهها، که تا حدود زیادی مربوط با استفاده از اجاقهای گاز برای اطوکشی است وحشتناک است. حتی مفرص اینکه کارگاههای مزبور بیش از همان ساعاتی که عادی خوانده میشود کار نکنند، یعنی فقط از ۸ صبح تا ۶ بعد از ظهر مشغول باشند، باز هرروز منظمًا ۳ یا ۴ نفر از حال میروند» (۲۱۸).

زهرروشن شیوه کار اجتماعی، که نتیجه ناگزیر تحول وسائل تولید است، بوسیله درآمیختگی های گوناگونی از اشکال گذارانجام مییابد. این اشکال برحسب دانه رسوخ ماشین دوزندگی و دتی که ماشین مزبور برای چیره شدن در این یا آن رشته صنعت گذاشته است، بنا بر وضع پیشین کارگران، برحسب اینکه اسلوب مانوفاکتوری، پیشه روی یا کارخانگی در آن رشته تفوق داشته است و نیز بنا بر اجاره بهای کارگاه (۲۱۹) و غیره، تغییر میکنند. مثلاً در کلاهدوزی زنانه که غالباً در گذشته کار بطور عمده برهنهای همکاری ساده سازمان یافته بود، ماشین دوزندگی درابتدای ورود خود فقط بمثابة عامل تازه ای از کار مانوفاکتوری بشمار میآمد. درخیاطی، پراهن دوزی، کفاشی و غیره اشکال مختلفه بایکدیگر تلاقی پیدا میکنند. گاه کار بصورت کارخانه ای بمعنای واقعی انجام میگردد. گاه واسطه هامواد خام را از سرمایه دار اصلی دریافت میکنند و سپس دراطاقها یا بالاخانه هائی ۱۰ تا ۵۰ نفر کارگرمزور یا بیشتر از آنرا در چرخ دوزندگی گرد میآورند. و بالاخره، آنچه آنکه در مورد کارست هرماشینی که سیستم پیوسته و مرتبگی را تشکیل نمیدهد و استفاده از آن بصورت مدلهای کوچک امکان پذیر است، پیش میاید در این مورد نیز پیشه وان یا کارگرانی که درخانه کار میکنند بهمرای خانواد خود یا چند کارگر خارجی چرخهای دوزندگی متعلق بخوش رامورد استفاده قرار میدهند (۲۲۰). درواقع سیستمی که اکنون در انگلستان تفوق دارد عبارت از اینست که سرمایه دار تعداد زیادی ماشین در بناهایی که متعلق بخود اوست متعزز میسازد و سپس محصول این ماشینها را میان سپاه کارگران خانگی برای انجام کارهای تکمیلی تقسیم میکند (۲۲۱). با این وجود تعدد اشکال بینابینی نمیتواند گرایش بسوی شیوه واقعی کارخانه ای را پنهان سازد. این گرایش بوسیله خصلت خود چرخ دوزندگی که میتواند برای انجام کارهای گوناگون مورد استفاده قرارگیرد تسریع میشود. خصلت مزبور مشوق گرد آوری رشته های جدا شده در مکان واحد و تحت فرمان

" Child. Empl. Comm., II. Report, 1864 ", P. LXVII, N. 406-9, (۲۱۸)
P. 84, N. 124, P. LXXIII, N. 441, P. 66, N. 6, P. 84, N. 126, P. 78, N. 85,
P. 76, N. 69, P. LXXII, N. 483.

(۲۲۱) " چنین بنظر میرسد که اجاره بهای کارگاهها آنچهان عاملی باشد که در آخرین تحلیل تا صیرق اطعی اعمال نمود است، بد انسان که بقا سیستم کهنه سفارش دهی بکارفرمایان خود و پا و خانواده هارا در ریافتخت طولانی تر ساخته و نیز موجب آن شده است که سیستم مزبور در آن شهرزودتر تجدید حیات نماید" (همان گزارش صفحه ۳ شماره ۱۱۳) - آخرین عبارت منحصرامربوط به صنعت کفش دوزی است.

(۲۲۰) در مورد دستکش دوزی و غیره، که وضع کارگران بزحمت ازگدایان متمایز است این شکل مطرح نیست.
" Child. Empl. Comm., II. Report 1864 ", P. 2, N. 122. (۲۲۱)

سرمایه واحد میگردد. و نیز این امر که کارهای جاری د وخت و دوز و برخی عملیات دیگر در همان جایی که ماشین استقرار یافته است بهتر انجام میشوند و بالاخره سلب مالکیت غیرقابل اجتناب از پیشه وران و کارگران خانگی که با ماشینهای متعلق بخود تولید میکنند، محرکین دیگر این گرایش بشمار میآیند. امری اخیر تقریباً اکنون انجام شده محسوب میگردد. حجم روزافزون سرمایه هائی که در ماشینهای دوزندگی گذارده میشود (۱۷۲) مشوق تولید و موجب امتلاء بازار است، و این خود برای کارگران خانگی بمنزله علامتی برای فروش چرخهای خیاطی خویش تلقی میگردد. سرریز شدن تولید در مورد خود این قبیل ماشینها تولید کنندگان آنها را، که برای برگشت وجوه خویش عجله دارند، وادار میکند ماشینها را بصورت هفتگی اجاره دهند و بالنتیجه از اینراه رقابت شکنند. ای برای ماشینداران خرد و پافراهم نمایند (۱۷۳). بعلاوه تغییر مستمر در ساختمان ماشین و ارزان شدن ماشین آلات نیز پیوسته از قیمت مدلهای کهنه میکاهد و موجب آن میگردد که سرمایه داران بزرگ با خرید آنها به ثمن بخش ماشین آلات مزبور رابطهور سود آور مورد استفاده قرار دهند. بالاخره در این مورد نیز مانند کلیه پیروسیهای منقلب کننده مشابه، نشستن ماشین بخار بجای انسان ضربه قطعی را وارد میکند. استعمال نیروی بخار در ابتدا ابعوانع صرفاً قی، از قبیل تکان شدن ماشینها، د شواری رام کردن سرعت آنها، خراب شدن سریع ماشینهای سبک و غیره، برخوردار میکند. ولی تجربه بزودی امکان غلبه بر این موانع را فراهم میسازد (۱۷۴). اگر از طرفی تمرکز ماشین افزارهای بسیار در مانوفاکتورهای بزرگ محرك بکار بردن نیروی بخار میگردد، از سوی دیگر رقابت بخار با نیروی عضلانی انسان تمرکز کارگران و ماشین افزارهای بسیار را در کارخانه های بزرگ تسریع میکند از پیروسی که اکنون انگلستان، در محیط تولیدی شگرف صنایع لباس دوزی، مرحله تطویر شیوه کسار مانوفاکتوری، پیشه روی و خانگی را بشیوه کارخانه ای، مانند اکثر صنایع دیگر، از سر میگذراند. و این تحول هنگامی صورت میگیرد که همه اشکال مزبور تحت تأثیر صنعت بزرگ بکلی تغییر کرده، تجزیه شده و از ریخت افتاده اند و مدتهاست که این اشکال کلیه زشتیهای رژیم کارخانه ای را کسب کرده و از آن نیز درگذشته اند. بدون آنکه عوامل مثبت تکامل آن سیستم را بدست آورد و پاخود بکار بسته باشند (۱۷۵).

(۱۷۲) تشهد در چکه دوزی و کفافی های لایستر Leicester که برای عده فروش تولید میکردند حتی در سال ۱۸۶۴ هم هشتصد ماشین دوزندگی مورد استفاده بود.

(۱۷۳) "Child. Empl. Comm., II. Rep. 1864" P. 84, N. 124.

(۱۷۴) در انبار لباس ارتشی پیم لیکو Pimlico در لندن و در کارخانه پیراهن دوزی تیلی Tillie و هندرسون Henderson در لوندن دری Londonderry و در کارخانه لباس دوزی شرکت تیت Tait در لیمریک Limerick، که ۱۲۰۰ "بازو" مورد استفاده قرار میدهد، اوضاع بد پس منوال بوده است.

(۱۷۵) "گرایش بسوی سیستم کارخانه ای" در "Child. Empl. Comm., II. Rep. 1864" P. LXXVII تمام این صنعت اکنون در یک مرحله انتقالی قرار دارد و از همان تحولاتی میگذرد که توری باقی، نساجی و غیره سابقاً گذشته اند. (در همان گزارش شماره ۴۰۰). "یک انقلاب کامل" (همان گزارش صفحه XLVI شماره ۳۱۸). در زمان تشکیل کمیسیون کار کودکان بمسال ۱۸۴۰ هنوز در صنعت کشتیافی بادست کار میشد. از سال ۱۸۴۶ انواع مختلف ماشین آلات در آن وارد شد که اکنون بقوه بخار حرکت میکنند. در سال ۱۸۶۲ کارگران ذکور و انثائی که در صنایع کشتیاف انگلستان کار میکردند و در مراحل مختلف سنی (از سه سال بالاتر) قرار داشتند، تقریباً بالغ بر ۱۲۹۰۰۰ نفر میشد. بنا بر گزارش پارلمانی یسازدهم فوریه سال ۱۸۶۲، از میان این عده فقط ۴۰۶۳ نفر مشمول قانون کارخانجات میشدند.

این انقلاب صنعتی، که بخودی خود مبروید، بوسیله شمول قوانین کارخانجات به کلیه رشته - هائی از صنعت، که در آن زمان، جوانان و کودکان کار میکردند، مصنوعات سریع گردید. تحت نظم درآمدن اجباری روزانه کار از لحاظ طول مدت، وقفه ها، نقطه آغاز و انجام کار، سیستم نوبت کاری برای اطفال، حذف کار کلیه کودکان پائین تر از سن معین و غیره، از طرفی موجب افزایش تعداد ماشین آلات (۲۷۶) و استفاده از قوه محرکه بخار (۲۷۷) بجای نیروی عضلانی گردید. از سوی دیگر استفاده دست جمعی از وسائل تولید، مانند کوره ها و آهنیه و غیره گسترش یافت تا آنچه زماناً از دست رفته بود از لحاظ مکانی جبران گردید. خلاصه در یک کلمه میتوان گفت که تمرکز وسائل تولید بیشتر شد و متناسب با آن تراکم کارگران زیاد تر گردید. - رواقع عده ایراد هر مانوفاکتوری که مورد تهدید قانون کارخانجات قرار میگردد و آنرا بسا حرارت و شور زیاد تکرار میکنند، اینست که برای ادامه کار بقیاس گذشته مقدار بیشتری سرمایه گذاری لازم است. و اما در مورد شکل های واسطی که بین مانوفاکتور و کارخانگی وجود دارد و نیز در باره خسود کارخانگی باید باین نکته توجه داشت که اینان بمحض محدود شدن روزانه کار و کار کودکان پایه و زمینه خود را از دست میدهند. بهره کشی بی حد و شمار از نیروی کار ارزان قیمت، یگانه اساس توانائی آنها در رقابت است.

شرط اساسی رژیم کارخانه ای، بویژه پس از آنکه تحت مقررات روزانه کار درمیآید، سلامت حصول عادی نتیجه است، یعنی تولید مقدار معینی کالا باید مست آوردن نتیجه مفید مورد نظر در مدت مشخصی از زمان.

بعلاوه در وقفه هائی که قانون برای روزانه تنظیم شده کار فروداشته این نکته مسلم فرض شده است که انقطاع ناگهانی وادواری کار ضروری به پروسه تولید محصول مورد نظر وارد نمیکند. بدینیهی است که این اطمینان حصول نتیجه و امکان انقطاع کار، در مورد کارهائی که صرفاً جنبه مکانیکی دارند اساساً بر بدست میآید تا در جاهائیکه پروسه های شیمیائی و فیزیکی در آنها نقش ایفا میکنند، از قبیل کوزه گری، لباس شویی، رنگرزی، نانوایی و بسیاری از صنایع فلزکاری. اعتقاد به روزانه کار نامحدود و کار شبانه، و اختیار مطلق در انهدام زندگی انسانی، موجب آن شده بود که هر مانع خود روشی بمنزله "سد طبیعی" جاودانی برای تولید تلقی گردد. هیچ سم حشره کش نمیتواند مطمئن تر از قانون کارخانجات این قبیل "سدهای طبیعی" را ضمیم سازد. هیچکس بیشتر از صاحبان کارخانجات کوزه گری علیه این "سد امکانات" فریاد و فغان بر نداشت. در سال ۱۸۶۴ قانون کارخانجات شامل حال آنان گردید و ۱۶ ماه بعد کلیه ناشدنیها از میان برداشته شد. اصلاحاتی که در نتیجه سرایت قانون کارخانجات انجام گردید و از جمله سه شیوه تکمیل یافته بدست آوردن ریخته کوزه گری (slip) از طریق فشار بجای تهخیر،

(M) از نیروست که مثلاً در مورد ظرف سازی، مؤسسه کوشران Cochrane موقوف به (برینمن پوتری گلاسکو) "Britain Pottery, Glasgow" بشرح زیر گزارش میکند: "برای اینکه میزان تولید خود را نگاهداریم اکنون ماشین را بقیاس وسیعتری مورد استفاده قرار میدهم. ماشینهای مزبور بوسیله کارگران غیر متخصص هدایت میشوند و هر روز بیشتر باین نکته پی میبریم که امکان تولید ما پیش از آن مقدار است که با شیوه گذشته بدست میآوردیم."

("Rep. of Insp. of Fact. 31st. Oct. 1865", P. 13).
" تا غیر قانون کارخانجات در اینست که استفاده وسیعتر از ماشین آلات را ترغیب میکند - (همان سند صفحه ۱۴ و ۱۵)

(W) بدینسان پس از اینکه قانون کارخانجات شامل کوزه گریها و ظرف سازها گردید چرخهای مکانیکی Four Jiggers جانشین چرخهای دستی Handmoved Jiggers شد.

ساختمان جدید کوره هائی که برای خشک کردن کالای مرطوب بکار میروند و غیره ، از جمله وقایع بسیار با اهمیت در صنعت کوزه گری بشمار میروند و نمودار آنچنان پیشرفت می کنند که طی سده اخیر هر تر از آن انجام نشده است . ۰۰۰ درجه حرارت کوره های مراتب کمتر شده ، مصرف ذغال کاهش یافته در حالیکه تا ۰۰۰ درجه حرارت بروی کالا سر می خورد پدیده است (۲۷۸) . علیرغم تمام پیشگوییهای تشهیهانه تشهیهات تمام شده کالا افزایش نیافت بلکه بر حجم محصول چنان افزوده شد که از دسامبر ۱۸۶۴ تا ۱۸۶۵ ارزش صادرات در حدود ۱۲۸۲۲۸ لیره استرلینگ نسبت به متوسط سه سال پیش فزونی داشت . در کبریت سازی این امر بصورت قانونی طبیعی درآمد بود که کودکان ، حتی بهنگام بلع ناهارشان ، چهاراد در محلولی از گسوکرد گرم ، که بخار مسوم آن صورت آنهارا فرامیگرفت ، فرو برند . هنگامیکه در سال ۱۸۶۴ قانون کارخانجات ضرورت صرفه جویی در وقت را ایجاد نمود ، انگاه یک نوع ماشین غوطه ای " dipping machine " کشف گردید که ابخره آن - یکه امکان برخورد با کارگر را نداشت (۲۷۹) . هم اکنون نیز در رشته هائی از تولیدیاتی ، که هنوز زیر حکومت قانون کارخانجات در نیامده اند ، مدعی هستند که نمیتوان زمان غذاخوری را تحت انتظام در آورد زیرا خشکاندن مصالح مختلفه صنعت مزبور مستلزم زمانهای متفاوتی است که از سه دقیقه تا یکساعت و بیشتر تغییر پذیر است . در برابر این اظهار بازرسان کمیسیون کار کودکان چنین پاسخی میدهند: " وضع عینا همانست که در مورد صنعت کاغذ د یواری بود . برخی از کارخانه داران عمدتاً این رشته با جوش و خروش مدعی بودند که ماهیت مصالح کار و گوناگون بودن پروسه هائی که مصالح مزبور از آن میگذرند ، موجب آنست که تعطیل ناگهانی کار برای غذاخوری نمیتواند بدون ضرر و زیان بسیار انجام پذیر باشد . ۰۰۰ بموجب ماده ششم از بخش ششم قانون مکل قانون کارخانجات (۱۸۶۴) همه آنان از تاریخ توشیح قانون ۱۸ ماه مهلت داده شد که میبایستی پس از انقضای آن در مورد تنفسها طبق آنچه قانون کارخانجات مقرر داشته بود رفتار نمایند " (۲۸۰) . تازه قانون از تصویب پارلمان گذشته بود که آقایان کارخانه داران نیز طلب دلیل را قائل ساختند : " اشکالاتی که بیم داشتیم از اجراء قانون کارخانجات بروز کند و توقع نیافتیم بهیچوجه ندیده ایم که از این بابت تولید در جائی فلج شده باشد . در واقع مادر همان مدت زمان بیشتر تولید میکنیم " (۲۸۱) . چنانکه می بینیم پارلمان انگلستان ، که هیچکس ادعای نبودن خاصیتی برای آن ندارد ، به تجربه دریافته است که صرف تصویب قوانین اجباری کافی نیست تا بلافاصله کلیه موانع طبیعی تولید ، که در برابر تولید و تنظیم روزانه کار دعوی میکردند از میان برداشته از نیروست که با سرایت دادن قانون کارخانجات به شعبه ای از صنعت مهلتی بین شش تا ۱۸ ماه مقرر میشود که در آن فاصله بر طرف ساختن موانع قبیحه کارخانه داران گذار شده است . این جمله میرابو (۲) : " محال ؟ هیچگاه این کلمه احقانه را بمن نگویید " (۳) بویژه در مورد تکنولوژی جدید

"Rep. of Insp. of Fact., 31 st. Oct. 1865" P. 96 and 127. (۲۷۸)

(۲۷۹) مرد این ماشین و برخی ماشین آلات دیگر در کبریت سازی موجب آن شد که تشهیهات یک بخش این کار ۳۲ پسرود ختر از ۱۴ تا ۱۷ ساله ، جای ۲۲ نفر جوان بالغ را گرفتند . همین صرفه جویی کارگرد رسال ۱۸۶۵ با استفاده از نیروی بخار با آزاد آمد یافت .

" Child. Empl. Comm., II. Rep. 1864 ", P. IX, N. 50 (۲۸۰)

" Rep. of. Insp. of Fact., 31 st. Oct. 1865 ", P. 22. (۲۸۱)

(۳) Honoré, Gabriel Mirabeau (۱۷۴۹-۱۷۹۱) - مرد سیاسی معروف انقلاب کبیر فرانسه و ناطق زبردست مجلس مؤسسان . میرابو با اینکه خود از خانواده اشراقی بود یکی از مدافعین جدی ضافع هرزوازی هر هیر آن طبقه گردید . میرابو سرانجام با دربار لویی ۱۶ ساخت و از سلطنت مشروطه دفاع نمود ولی پیش از آنکه با اتهام خیانت به ادگانه انقلابی جلب شود درگذشت .

(۳۳) همین جمله که در متن آلمانی بزبان فرانسه قید شده چنین است :
" Impossible? Ne me dites jamais ce bête de mot! "

صادق است. ولی اگر بدینسان قانون کارخانجات، مانند گرمخانه ای، عوامل مادی ضروری بودن تهیگی شیوه کارمانوفاکتوری به شیوه کارخانه ای رامیساند، درعین حال بوسیله ضرورساختن سرمایه گذاری بیشتر زوال استادکاران خرد و پائوتعویز سرمایه را تسریع میکند (۲۸۲).

قطع نظر از موانع فنی محض که از طریق فنی قابل رفعند، تحت قاعده درآوردن روزانه کارها بی نظمی عادی خود کارگران برخوردار پیدا میکند، بویژه آنجا که مزد قطعه ای حکمفرماست و کارگری که در قسمتی از روز یا هفته فرصتی از دست داده است میتواند آنرا بوسیله اضافه کار بعدی یا کار شبانه جبران نماید. این شیوه ایست که کارگر بالغ را خرد میکند و همکاران خرد سال یا موقت او را زیاد میآورد (۲۸۳). اگر چه این عدم انتظام در خرج کردن نیروی کار خود واکنشی طبیعی علیه کارکسالت او بکنواخت و تن آزار است، ولی معدنک بطور عمده و بعقیاسی بمراتب بیشتر، از اغتشاش خود تولید سرچشمه میگیرد که بنوبه خویش متضمن استثمار بی بند و بار نیروی کار بوسیله سرمایه است. در جنب تغییرات ادواری عمومی مربوط بدروسنتی و نوسانات بازار خاص هر شعبه تولید، عامل دیگری نیز که موسم یا فصل خوانده میشود وارد میگردد. عامل مزبور اعم از آنست که مبتنی بر فواصل کشتی رانی و بر حسب فصول مساعد سال باشد و یا اساس انرا بد تشکیل دهد و یا اینکه مربوط به سفارشهای مهم ناگهانی ای باشد که باید در مهلت کمابیش کوتاهی تحویل گردند. مورد اخیر باره آهن و تلگراف بسط یافته است. مثلاً یکی از کارخانه داران لندن میگوید: "بسط سیستم راه آهن بتمام کشور سفارشهای کوتاه مدت را بصورت امری جاری درآورد. هفت اکتون خریداران از گلاسکو، منچستر و ادینبورگ هر ۱۴ روز یکبار میآیند و یا اینکه برای خریدهای عمده بفروشگاههای بزرگ لندن، که کالاهای مابانها تحویل میشود، مراجعه میکنند. بجای آنکه مانند گذشته از انبارهای کالا خریداری کنند سفارشهایی میدهند که باید فوراً اجرا شود. در گذشته ما امکان داشتیم در ایام آرام بازار برای تقاضاهای هنگام فصل از پیش کار کنیم ولی اکنون هیچکس نمیتواند پیش بینی کند که تقاضا چگونه خواهد بود" (۲۸۴).

در کارخانه ها و مانوفاکتورهای که هنوز مشمول قانون کارخانجات نیستند ادواری اضافه کار وحشتناکی به هنگام آنچه فصل خوانده میشود، انجام میگردد و یا اضافه کار مزبور متناوباً در تعقیب سفارشهای ناگهانی وقوع مییابد. در بخش خارجی کارخانه و مانوفاکتور و انبار کالا، یعنی در محیط کار

(۷۷) "در بسیاری از مانوفاکتورهای قدیمی اصلاحات ضروری بدون سرمایه گذاری که از قدرت صاحبان کنونی آن خارج است امکان پذیر نیست... اجرا قانون کارخانجات ناگزیر بانوعی بهم خوردگی موقت سازمانی همراه است. دامن این اغتشاش سازمانی با بزرگی اشکالاتی که باید برای رفع آن تدبیر کرد نسبت مستقیم دارد" (همان گزارش، صفحه ۹۶ و ۹۷).

(۷۸) "مثلاً در کوره های مرتفع عموماً کار در آخر هفته بسیار طولانی است زیرا کارگران عادت دارند روزهای دوشنبه و گاه حتی سه شنبه را کلاً یا جزئاً تعطیل کنند."

(" Child. Empl. Comm., III, Rep. ", P. VI.)

"استادان کوچک علی العموم زمان کار بسیار نامنظمی دارند. آنان ۲ یا ۳ روز از دست میدهند و سپس تمام شبها را کار میکنند تا زمان از دست رفته را جبران نمایند... آنان اگر صاحب اولاد باشند همواره آنها را بکار وامیدارند (همان گزارش صفحه VI) - امکان وعادت با اضافه کار بظهور جبران زمان از دست رفته مشوق عدم انتظام در شروع بکار است" (همانجا صفحه XVIII). "در هر هنگام وقت زیادی تلف میشود... در حالیکه آنان بخشی از اوقات را ببطالت میگذرانند در بخش دیگر خود را زیاد میآورند (همانجا صفحه XI).

(۷۹) همانجا گزارش چهارم صفحه ۲۲ و ۲۳ "توسعه دامن خطوط آهن ظاهراً باید عادت سفر قدیمی فوری را بسیار متداول کرده باشد. نتیجه آن عبارتست از آهنگ پرشتاب کار، فراموشی مواقع غذاخوری و ساعات کار اضافی برای کارگران (همان گزارش صفحه XXXI).

خانگی بطور کلی بی ترتیبی حکم فرماست ، زیرا کارگر خانگی از حیث مواد خام و سفارش مطلقا در چنگ سرمایه دار است و وی نیز در این مورد هیچگونه غمی از بابت ابنیه و ماشین آلات ندارد و در واقع هیچ چیزی جز پوست خود کارگران را به خطر نمیاندازد . در چنین محیطی سرمایه دار همواره بطور منظم ارتش صنعتی ذخیره ای در اختیار دارد ، که قسمتی از سال از شدت کار اجباری غیر انسانی از پادرمیاید و در بخش دیگر سال در نتیجه نبودن کار بفلان کت و مستفندی میافتد . کمیسیون کارکودکان میگوید : « کارفرمایان بی ترتیبی عادی کارگر خانگی را مورد استفاده قرار میدهند تا در مواقعی که کار فوق العاده پیش میاید و در ساعات ۱۱ و ۱۲ شب و حتی ۲ بعد از نصف شب کارکنند یا به عبارت دیگر او را بکار در کلبه ساعات مجبور سازند و آنهم در محل هایی که " بوی گند بحدی میرسد که انسانرا کله پامیکند . (the stench is enough to knock you down.)

شاید شما بطرف در بنزید و آنرا باز میکنید ولی نفرتی که دست میدهد شمارا از جلوفتن باز میدارد " (۲۸۵) .
 " کفاشی که یکی از شهرد تحقیق ماست میگوید " کارفرمایان ما جغد ان غریبی هستند . آنها ضروری در این نمی بینند که جوانی نیمی از سال را تا سرحد مرگ جان بکند و تقریبا مجبور باشد نیمه دیگر سال را به پرسه زدن و بطلالت بگذراند " (۲۸۶) .

این با اصطلاح " سنت های بازرگانی " usages which have grown with the growth of trade نیز مانند موانع فنی از طرف سرمایه داران درینغ بنشابه " مرزهای طبیعی " تولید معرفی شده و میشوند . این همان نغمه ایست که لردهای صنایع پنبه ، هنگامیکه قانون کارخانجات آنها را تهدید مینمود ، ساز کردند . با اینکه رشته آنها پیش از سایر رشته ها با بازار جهانی و بالنتیجه به کشتی رانی تکیه داشت ، تجربه خلاف نظر آنها را نشان داد . و از آن پس بازرسان انگلیسی کلیه ایسن " موانع بازرگانی " را بنشابه طفره زنی و یاوه سرانی توخالی تلقی نمودند (۲۸۷) . در واقع بررسیهای اساسی و درستکارانه کمیسیون کارکودکان نشان میدهند : که در برخی از صنایع تنظیم روزانه کار تنها این اثر را داشته که حجم کار مورد استفاده را بطور تساوی بتعام سال تقسیم نمود . است (۲۸۸) ، که نظم و ترتیب مزبور نخستین دهانه اقلانه ایست بر هوسبازی بی بند و بار ، کشنده و توخالی ، که ذاتا مفایر با سیستم صنعت بزرگ است (۲۸۹) ، کسه تسوسه اقیانوس بیعانی و وسائل ارتباط

"Child. Empl. Comm. IV. Rep.", P. XXXV, N. 235-237. (۲۸۵)

(۲۸۶) همان گزارش . صفحه ۱۲۷ . شماره ۶۱

(۲۸۷) " درباره زبانهائی که گوید در نتیجه تاخیر اجرا " سفارشا به دادوستد آنها وارد میشود ، بیاد میآورم که همین امر در سالهای ۱۸۳۲-۳۳ بهترین استلال صاحبان کارخانجات بود . هیچیک از ایراد کتبی نمیتواند ارزش ایراد های آن زمان را داشته باشد که هنوز بخار سافتهار انصاف نکرده و آهن جدیدی برای حمل و نقل بوجود نیامده بود . این نظریه که سابقا خلافتش در برابر تجربه واقعی ثابت گردید ، محققا اکنون نیز در مقابل محک جدید تاب مقاومت نخواهد داشت .

(" Rep. of Insp. of Fact., 31 st. Oct. 1862 " , P. 54-55) .

" Child. Empl. Comm., IV. Rep.", P. XVIII, N. 118. (۲۸۸)

(۲۸۹) جون بلریس در ۱۶۹۹ این نکته را متذکر میشود که : « نامعلوم بودن مد ها برده بهنواپسان محتاج میافزاید . این وضع دو زبان عمده در بردارد : ۱- شاگردان در زمستان از جهت نقصان کار در مضیقه میافتند زیرا خرازی فروشان و استاد بافندگان جرات نمیکند پیش از آنکه بهاد و رسد و مد بر آنها معلوم شود سرمایه خود را برای مشغول ساختن شاگردان بکار برند . ۲- بهنگام بهار تعداد بقیه در زیر نویس صفحه بعد

بطور کلی جهت فنی واقعی کار موسی را از میان برداشته است (۲۹۰) ، و کلیه شرایطی که ادعا میشود از حیطة اختیاری خارجند بوسیله ساختمانهای وسیعتر ، افزایش ماشین آلات ، از دپاد عدد کارگرانی که همزمان با هم بکار گمارده شده اند (۲۹۱) و بوسیله تا " تهران در سیستم بازرگانی عدد حذف گردیده اند (۲۹۲) . با وجود این سرمایه همچنانکه مکررا از زبان نمایندگان خود اعلام داشته است ، " فقط تحت فشار قانون پارلمانی عامی" (۲۹۳) که روزانه کار را قاهرانه منظم نموده باشد ، به چنین انقلابی تن میدهد .

۹- قوانین کارخانه ای (مواد مربوط به بهداشت
و آموزش) - عمومیت یافتن آن در انگلستان

چنانکه دیدیم ، قوانین کارخانه ای ، این نخستین واکنش آگاهانه و بانقشه جامعه در برابر شکل خود روی بروس تولید خویش نیز ^{معنا} مانند نخ ، ماشینهای خود کارو تلگراف برقی ، محصول ضروری صنعت بزرگ است . پیش از آنکه ما به چگونگی تعمیم آن در انگلستان بپردازیم لازمست که چند کلمه ای در باره برخی از مواد قانون کارخانجات غیر از آنچه مربوط به مدت کار است بیان کنیم . صرف نظر از شیوه انشا این قوانین ، که خود بخلاف از آنها برای سرمایه داران آسان میکند ،

بقیه زیر نویس صفحه قبل :

شاگردان برای انجام امور کافی نیست و استاد با قدگان مجبورند تعداد بیشتری کار آموز جلب کنند تا بتوانند طی ۱ یا ۲ ماه جواب داد و ستد تمام کشور یاد شاهی را بدهند . این وضع موجب رسیدن دست کار از کشاورزی میشود ، روستا را از کارگر خالی میسازد و تا حد زیادی سبب میگردد که شهرها از گدایان پر شوند و در رزمستان انگسانی را که از گدائی شرم دارند بگردن از گرسنگی سوق میدهد .

("Essays about the Poor, Manufactures etc.", P.9)

" Child. Empl. Comm., V. Rep.", P. 171, N. 31.

(۲۹۰)

(۲۹۱) مثلا در اظهارات تجار صادر کنندگان براد فورد چنین خوانده میشود : بدیهی است که در این شرایط احتیاجی نیست پس هر چه هارا طولانی تر از ساعت ۸ صبح تا ۷ یا ۷ شب در فروشگاهها بکار واداشت . این امر فقط مسئله يك خرج فوق العاده با کارگزارانی است . (چنانچه برخی از صاحبکاران باین اندازه حرص در سود جویی نبودند لازم نبود پسرها تا این حد شبانه کار کنند ، يك ماشین اضافی فقط ۱۶ یا ۱۸ لیره استرلینگ قیمت دارد) . کلیه دشواریها از عدم کفایت دستگاهها و کمبود جانشینی میگردد . (همان گزارش صفحه ۱۷۱ شماره ۳۱ ، ۳۶ و ۳۸) .

(۲۹۲) " Child. Empl. Comm., V. Rep." - یکی از کارخانه داران لندن ، که خود

شیوه اجباری تنظیم روزانه کار را وسیله حمایت از کارگران در برابر کار فرما و وسیله حمایت خود کار فرمایان در برابر بازرگانان عمده می شمارد ، اظهار میدارد : فشار بر کسب و کار ما معلول عمل تجار صادر کنندگان است که مثلا میخواهند کالا را بوسیله کشتی بساد بسانی بفرستند تا در فصل معینی بتوانند در محل مقصد باشند ، و در همین حال تفاوت بین کرایه کشتی بخیار و کشتی بساد بسانی را به جیب بزنند ، و با اینکه از میان دو کشتی بخار آنکه مورد تعارض مقصد است انتخاب میکنند تا در بازار خارجی بر رقبای خود سبقت جسته باشند .

(۲۹۳) " کارخانه داری میگوید میتوان این امکالات را ، بوسیله توسعه کارگاهها تحت فشار قانون عمومی

صوب پارلمان ، چاره کرد " (همان گزارش صفحه X ، شماره ۳۸) .

مقررات بهد اشتی آن بینهایت ضعیف و در واقع محدود است به سفید کردن دیوارها و برخی دستورها در باره نظافت، تهویه و حمایت در برابر ماشینهای خطرناک. در جلد سوم این کتاب ما باز در مورد مبارزه متعصبانه کارخانه داران علیه آن مواد قانون که مخارج مختصری برای حمایت اعضا بدن کارگر آنها مقرر داشته است، سخن خواهیم گفت. در اینجا یکبار دیگر یکی از عقاید جزئی (۳) هواداران آزادی تجارت بنحو درخشانی تائید میشود که میگویند در جامعه ای مبتنی بر منافع متضاد هر کسی با تعقیب استفاده خصوصی خویش در جهت سود عموم عمل میکند. یک مثال کافیست. چنانکه میدانیم طی دوره بیست ساله اخیر صنعت کتان باقی و همراه با آن کارخانه هائی که کتان را میزنند و خرد میکنند (scutching mills) در ایرلند زیاد شده است. در ۱۸۶۴ بالغ بر ۱۸۰۰ کارخانه با این قبیل دستگاهها وجود داشته است. در پائیز و زمستان ادوارا و بطور عمد جوانان، زنان، پسران و دختران و زوجات کشاورزان خرده پای اطراف یعنی کسانی که مطلقاً از کار ماشینها اطلاعی ندارند، از کشت و کار بر میدارند و آنها را برای خوراک رساندن به پاتیلهای کتان دستگاهها تجهیز میکنند. سوانحی که رویداده از حیث وسعت و شدت خود در تاریخ ماشینسازیم بیمانند است. شهادر یک کتان دنگ در کیل دینان Kildinan (نزدیک کورک Cork) از سال ۱۸۵۲ تا ۱۸۵۶ شش سائحه مهلك و شصت حادثه سخت منجر به معلولیت اتفاق افتاده است که از همه آنها میشد با تعبیه ساده ترین اسبابها و صرف شیلینگی چند جلوگیری نمود. دکتر و. وایت پزشک رسمی مأمور کارخانجات داون پاتریک Downpatrick ضمن گزارش رسمی خود مورخ ۱۵ دسامبر ۱۸۶۵ اظهار میدارد: «سوانحی که در دنگهای کتان اتفاق میافتد از وحشتناکترین انواع حوادث هستند. در موارد بسیار ریح بدن از تشنه کنده شده است. عواقب عادی این جراحات با مرگ است و یا آینه ایست مرکب از قهر و ناتوانی جانگناه. بدیهی است با افزایش کارخانجات در این کشور اضافه چنین نتایج دهشت آوری توسعه خواهد یافت. برای من مسلم است با استقرار یک مراقبت شایسته دولتی در دنگهای کتان بسیاری از این قربانیهای انسانی اجتناب پذیر میگردد» (۲۹۴).

چه چیز بهتر از این واقعیت میتواند خصلت نهایی شیوه تولید سرمایه داری باشد، که برای انجام ساده ترین اقدامات نظافت و بهد اشت، اجبار کارخانه داران بوسیله قانون دولتی واجب میگردد؟ قانون کارخانجات مصوب ۱۸۶۴ بیش از ۲۰۰ کارگاه کوزه گری را مجبور به سفید کاری و نظافت نمود. بیش از ۲۰ سال بود که کارخانه داران از این قبیل امور بیهوده داشتند (اینست "پرهیز" (۳) سرمایه). در این کارگاهها ۲۷۰۰۰ نفر کارگر بکارگمارده شده بودند که تا این تاریخ طی کار شبانه روز خود هوای متعفن و فاسدی را استنشاق مینمودند و کار بالنسبه بی آزار آنها بیماری اور و مرگ زامیگردید. قانون بروسائل تهویه نیز بسیار افزود (۲۹۵). در عین حال قانون مزبور بنحو بارزی نشان داد که شیوه تولید سرمایه داری بنا بر سرشت خویش هرگونه بهبود عاقلانه را در راه نقطه معین نفی میکند. پس از این نکته را متذکر میشویم که پزشکان انگلیسی در این مسئله متفقند که حداقل فضای کافی برای تنفس هر شخصی که بکار مستغراشتغال دارد بالغ بر ۵۰۰ قدم مکعب است. این درست است! ولی قانون کارخانجات که با مقررات اجباری خویش بطور غیر مستقیم برای سرمایه داران بزرگ امتیاز انحصاری تأمین

Dogme (۳)

" Child. Impl. Comm., V. Rep. ", P. IV, N. 72 ff. (۳۴)

(۳۳) غرض پرهیز و اساک بمعنای دینی آنست. منظر صنف که افشا ادعای دینداری سرمایه - داران است روشن است.

" Reports of Insp. of Fact., 31st. Oct. 1865", P. 127. (۳۵)

مینماید، اگر فضای تنفسی لازم برای هر کارگر را قانوناً به کارگاهها تحمیل کند، آنگاه باید ضربه از هزاران نفر سرمایه دار کوچک مستقیماً سلب مالکیت نمود است. آنگاه مقررات مزبور تیشه ایست بریشه شیوه تولید سرمایه داری یعنی برارزش افزائی سرمایه اعم از کوچک و بزرگ بوسیله خریداری و مصرف آزاد نیروی کار. به همین سبب است که نفس قانونگذار کارخانه در برابر این ۵۰۰ قدم مکعب هوا بند میاید. ما مور پسین بهد اشت، کمیسیونهای تحقیق، بازرسان کارخانجات دمد ضرورت این ۵۰۰ قدم مکعب را تا پیدا میکنند ولی در عین حال عدم امکان تحمیل آنرا به سرمایه نیز گوشزد مینمایند. در واقع آنان بیماری سل و سایر امراض روی کار را بدینسان یکی از شرایط حیاتی سرمایه اعلام میدارند (۲۹۶).

هر چند مقررات تربیتی قانون کارخانجات در مجموع خود ناچیز و ضعیف جلوه میکنند، معذ لسک همین مقررات آموزش ابتدائی را شرط اجباری کار اعلام داشته اند (۲۹۷). کامیابی این مقررات بدو امکان متحد ساختن آموزش و ورزش را (۲۹۸) با کاردستی ثابت نمود و از آن طریق نیز سازگاری کاردستی را با آموزش و ورزش به ثبوت رساند. بازرسان کارخانجات از استماع شهادت آموزگاران دبستانها بزرگی کشف نمودند که بچه های کارخانه ای، با اینکه فقط از نصف دروس دبستانهای عادی روز استفسارده میکنند، معذ لسک همان قدر با بیشتر یاد میگیرند. مطلب ساده است آنها که فقط نصف روز در کلاس میمانند همواره تروتازه اند و تقریباً همیشه آماده و مایل بدرس گرفتن هستند. اسلوی که مبتدی برنیمسی کار و نیمی درس است موجب آن میشود که هر یک از این دو کار نسبت بدیگری جنبه تفریحی و استراحت پیدا میکند و بالنتیجه برای طفل خیلی مناسبتر از ادامه بدون انقطاع یکی از دو کار است. پسر بچه ای که

(۲۹۱) تجربه ثابت کرده است که يك آدم متوسط و سالم در هر دمی که باشد ت میان میزند تقریباً ۲۵ انگشت (۵) مکعب هوا فرو میرود و در هر دقیقه قریب ۲۰ بار نفس میکشد. بنابراین مصرف هوای یک نفر طی ۲۴ ساعت تقریباً بالغ بر ۷۲۰۰۰۰ انگشت مکعب یا ۴۱۶ قدم مکعب میشود. ولی این نکته نیز دانسته است که هوای تنفس شده تا وقتی که هنوز در کارگاه بزرگ طبیعت صافه نگردد بده است نمیتواند دوباره بدرد همان پروسه بخورد. بنا بر تجربیات والانتین Valentin و بروئر Brunner يك انسان سالم در هر ساعت تقریباً ۱۲۰۰ انگشت مکعب اسید کربنیک بیرون میدهد. بنابراین طی ۲۴ ساعت معادل ۲۸۰۰۰ انس کربون جاد از ریه ها برمیآورد. هر انسان باید لااقل ۸۰۰ قدم مکعب در اختیار داشته باشد (Huxley).

(۲۹۲) انگشت : Pouce ، Zoll واحد اندازه طول در انگلستان معادل با ۲٫۵ میلیتر. همین واحد در فرانسه قدیم معادل با ۲٫۷ میلیتر بوده است. در سیستم اندازه گیری ایران قدیم يك انگشت معادل با ۲٫۵ میلیتر است.

(۲۹۳) بنا بر قانون کارخانجات انگلستان اولیا اطفال نمیتوانند فرزند ان کمتر از ۱۴ سال خود را بکارخانه "موزی شده" بفرستند، مگر آنکه در عین حال با اطفال مزبور را برای فراگرفتن آموزش ابتدائی بدبستان اعزام دارند. کارخانه دار مسئول اجراء مقررات قانون است. "آموزش کارخانه ای اجباری و یکی از شرایط کار است." ("Rep. of Insp. of Fact., 31st. Oct. 1863", P. 111.)

(۲۹۴) در باره نتایج موقیعت امیز متحد ساختن ورزش (و نیز تمرین های نظامی برای پسران جوان) و آموزش اجباری اطفال در کارخانه ها و دبستانهای قرا بطنقون و Senior که در هفتین سالنامه "National Association for the Promotion of Social Science" ایراد شده است و همچنین بکارشهای بازرسان کارخانجات مورخ ۳۱ اکتبر ۱۸۶۵ صفحات ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱ و بعد مراجعه شود.

از صبح زود بویژه بهنگام گرمادرد بستان می نشینند غیر ممکن است بتواند با کودک دیگری که خوش و خرم از کارش بر میگردد همچشمی نماید" (۲۹۹) .

نطقی که سنیر در سال ۱۸۶۳ در کنگره سوسیولوژی اد پمبرک ایراد نمود در این باره اطلاعات بیشتری میدهد . سنیر در این گفتار از جمله این نکته رانیز انبات میکند که تا چه درجه روزهای یکتواخت، بیحاصل و طولانی ای که اطفال کلاسهای بالا و میانه در مدرسه میگذرانند کار آموزگاران را بیهوده زیاده میکند . در حالیکه وقت ، تدرستی و نیروی فعال اطفال را ، نه تنها بی ثمر بلکه بنحوی مطلقا زیان آور بر باد میدهد" (۳۰۰) . این مطلب را که نطقه پرورش آینده در سیستم کارخانه ای گذاشته شده است ، راپرت اون در آثار خود بتفصیل آورده است . پرورشی ، که در مورد کلیه اطفال از سن معین ، کارموسدرا با آموزش و پرورش توأم میکند ، اسلوبی که نه تنها بمنظور ترقی تولید اجتماعی بکار خواهد رفت بلکه بگانه راه بوجود آوردن انسانهای از هر جهت رشد یافته است .

سابقا دیدیم که صنعت بزرگ ، تقسیم کار مانوفاکتوری را ب نتیجه آن ، که عبارت از وابسته کردن مادام العمر یک انسان به کاری جزئی است ، از لحاظ ظنی حذف میکند . ولی شکل سرمایه داری صنعت بزرگ تقسیم کار مزبور را بصورت مهیب تری تجسد میدهد . مینماید پس انسان که در خود کارخانه کارگر را جبدل به اسباب ذ شعور یک ماشین جز میکند و در خارج از کارخانه همین نتیجه را خواه بوسیله بکار بردن جسته گریخته

" Rep. of Insp. of Fact. ", ebd. P. 118. (۳۹۹)

صاحب یک کارخانه ابریشم باقی با ماده لوحی به ما مورین تحقیق کمسیون کار کودکان چنین میگوید : " من مطلقا با این عقیده رسیدم . ام که کلید حل حقیقی راز بوجود آوردن کارگران لایق در مریوط ساختن کار و آموزش از سالهای اولیه کودکی است . بدیهی است که کار باید نه دشوار ، نه زننده و نه مخالف بهداشت باشد . من خود بسیار خرمند میشدم اگر فرزندان من میتوانستند بسر ای تغییر محیط مدرسه کار و بازی هم داشته باشند ."

Senior ; " Report of Proceedings etc. " , P. 65-66. (۳۰۰)

مقایسه نطق ۱۸۶۳ ن . و . سنیر با خطا به تعرض امیزی علیه قانون کارخانجات بنحو پارزی این نکته رانشان میدهد که چگونه صنعت بزرگ ، آنگاه که بدرجه " معینی از رشد میرسد ، با انقلاب ساختن شیوه مادی تولید و ضاساسیات اجتماعی تولید درد مانعها نیز انقلابی بوجود میآورد . ونیز همین مطلب را میتوان از مقایسه عقاید کنگره مورد بحث با این واقعات درمساقت که هنسوز در برخی از سواحی مشخن انگلستان اولیا اطفال که بمجازات گرفته شدن تهدید میشوند ، از آموزش و پرورش کودکان خویش موضوعند . مثلا بنا به گزارش آقای Snell در سامرست شایر Somersetshire عادت بر این جاریست که اگر شخص قیسری تقاضای کمک از دلپسای محمل نماید مجبور است اطفال خویش را از بستان بیرون آورد . آقای ولستون Wollaston کشیش فلثام Feltham مواردی را نقل میکند که از هرگونه کمک و دستگیری نسبت به خانواده های شخصی امتناع شده است بدلیل آنکه آنان اطفال خود را بد بستان میفرستاده اند .

ماشین آلات و کار ماشینی (۳۰۱) و خواه با قرارداد ان کار زنان، کودکان و غیر متخصصان بمشابه پایه جدید تقسیم کار، بدست میآورد.

تضاد بین تقسیم کار بشیوه مانوفاکتوری و ماهیت صنعت بزرگ بنحوشدیدی بارز میشود. این تضاد از جمله در این واقعیت د هشت بار نمود میشود که قسمت بزرگی از کودکان شاغل در کارخانجات و مانوفاکتورهای جدید از زودترین ایام کودکی بهره وار بساده ترین اعمال پیچ میشوند و سالیان دراز از آنها بهره کشی میشود بدون اینکه هیچ نوع کاری بیاموزند تا لااقل بتوانند بعد ها در همان مانوفاکتور یا کارخانه مورد استفاده قرار گیرند. مثلاً در چاپخانه های انگلیسی بنابر اسلوب قدیمی مانوفاکتوری و پیشه روی سابقا چنین رسم بوده که کارآموزان تدریجا از کارهای ساده بکارهای پیچیده ترمیرسیدند. آنان دوره کارآموزی مرتبی را طی میکردند تا چاپگر کاملی از آب درمیآمدند. خواندن و نوشتن برای همه کس از شرایط ضروری حرفه ای بشمار میرفت. ولی همه این چیزها با ماشین چاپ تغییر کرد. ماشین چاپ د نوع کارگرمورد استفاده قرار میدهد: یکی کارگر بزرگسال برای مراقبت ماشین و دیگری دستیاران خردسال ماشین جی ها که اغلب بین ۱۱ و ۱۷ سال هستند و کار آنها ضحصرامسارت از اینست که صفحه کاغذ را بد ماشین بدهند و یا صفحه چاپ شده را از مقابل آن بردارند. اینان، بویژه در لندن، طی چندین روز هفته متوالیا ۱۵، ۱۶ و ۱۷ ساعت بکار کسالت بار فوق مشغولند و حتی اغلب ۳۶ ساعت بی دربی کار میکنند و فقط د وساعت برای خوردن و خوابیدن توقف مینمایند (۳۰۲). بسیاری از میان آنان خواندن و نوشتن نمیدانند و معمولاً موجوداتی منگ و غیر طبیعی هستند. برای اینکه آنان در کار خود مهارتی پیدا کنند هیچگونه پرورش فکری ضرور نیست. آنها کمتر فرصت ابراز مهارت دارند و کمتر از ان امکان صاحب نظر شدن. اگرچه مزد آنها نسبت به نشان بالاست ولی به تناسب بارشد خود آنها ترقی نمیکند و دورنمای احراز مقام پول آهتر و مسئولیت دارتر ماشین جی برای اکثر آنان وجود ندارد زیرا هر ماشین فقط یک مراقب و چهار دستیار لازم دارد و پس (۳۰۳). بمحض اینکه نشان از حد کار کودکان تجاوز میکند، یعنی در حدود ۱۷ سالگی، آنها را از چاپخانه بیرون میکنند. بدینطریق آنها نامزد شر در ارتش مجرمین میگرددند. برخی کوششها که بمنظور ایجاد مشاغل دیگری برای آنها

(۳۰۱) هر زمان که ماشینهای سیستم پیشه روی، یعنی ماشینهایی که قوه محرکه آنها نیروی انسانی است، با ماشین آلاتی متکاملتر، که بالنتیجه مستلزم استفاده از نیروی مکانیک است، مستقیماً یا بطور غیر مستقیم در رقابت قرار میگیرند، تغییرات بزرگی از لحاظ کارگرانی که محرك ماشینهای مزبورند بسوقوع میپهوندند. در آغاز امر ماشین بخارجانشین کارگرمیشد. اکنون کارگر است که باید جای ماشین بخار را بگیرد. بنابراین شدت و حدت صرف نیروی کار وحشتناک است، بویژه برای جوانان نرسمی که محکوم بچنین شکنجه ای میگرددند. ما مورتحقیق لانج Longe در کاونتری Coventry و حوالی آن پسر بچه های ۱۰ تا ۱۵ ساله ای را دیده است که برای چرخاندن دستگاههای نساجی نواردار بکار میرفتند، صرفنظر از اینکه اطفال خردسال تر بچرخاندن دستگاههای کوچکتری واداشته شده بودند. این کار است فوق العاده شاق ورنج آور. طفل جز بدلد ساده ای برای ماشین بخار چیز دیگری نیست.

(" Child. Empl. Comm., V. Rep. 1866 " , P. 114, N. 6).

در باره هواقب این سیستم بردگی یعنی نامی که خود گزارش رسمی به ان داده است بعضی بعدی گزارش فوق الذکر مراجعه شود.

(۳۰۲) همان گزارش. صفحه ۳ شماره ۲۴

(۳۰۳) همانجا، صفحه ۷ شماره ۶۰

بعمل آمد در برابر نادانی، خشونت و فساد جسمانی و روحی آنان بسنگ خورد.
 آنچه درباره تقسیم کار بشیوه مانوفاکتوری در درون کارگاه دست است در مورد تقسیم کار در داخل
 جامعه نیز صادق است. تا هنگامیکه پیشه و مانوفاکتور پایه عمومی تولید اجتماعی را تشکیل میدهند، و پیشه
 شدن تولیدکننده برشته منحصری از تولید و گسیخته شدن تنوع ابتدائی کاروی (۳۰۴) عامل ضروری
 تحول و تکامل است. بر منای این پایه هر رشته ویژه تولید شکل فنی متناسب خود را بر حسب تجربه
 بدست میآورد، آنرا در پیاپی تکمیل میکند و بعضی اینکه بدرجه معینی از رشد رسید بسرعت شکل مزبور را
 متبلور میسازد. آنچه گاه بگاه موجب تغییر میشود، گذشته از مواد کاری که از داد و ستد ناشی میگردد، همانا
 تغییرات تدریجی ای است که عارض کارافزار میشود. پس از آنکه بالاخره بنا بر تجربه شکل متناسب کارافزار
 بدست آمد، انگاه کارافزار نیز تحجر پیدا میکند، چنانکه انتقال هزارساله آن از نسلی به نسل دیگر
 نشان دهنده این واقعیت است. این نکته خصلت نعامت که تا قرن هیجدهم پیشه های خاصی بنام
 سر (۳۰۵) خوانده میشدند و فقط آن کسانی که از لحاظ علمی و حرفه ای حریمت مییافتند میتوانستند بر
 آن بی برند.

صنعت بزرگ آن نقابی را که از نظر انسانها پروسه تولیدی خود آنها را پنهان میداشت برشته های
 خودروی مختلف و متنوع تولید را در برابر یکدیگر قرار میداد و حتی هر رشته را برای غیراهلش بصورت سر و
 معاشی در میآورد، از هم درید. این اصل صنعت بزرگ، که هر پروسه تولیدی را بخودی خود و صرف نظر از
 هر نوع توجهی به نحوه مداخله دست انسانی بمعامل متشکله اش تجزیه میکند، علم تکنولوژی کاملاً
 جدیدی را بوجود آورد. شکلهای رنگارنگ، قالب یافته و ظاهرا نابهیم بسته پروسه تولید اجتماعی در
 استفادۀ آگاهانه و طبق نقشه علوم طبیعی، که بنا بر هدف مفید مورد نظر بطور منظم طبقه بندی شده اند،
 تحلیل گرفت. همچنانکه در علم مکانیک پیچیده ترین ماشین آلات مانع درون این نکته نمیشوند که همواره
 همان نیروهای مکانیکی ساده هستند که تکرار میگرددند، بهمان قسم تکنولوژی نیز آن چند شکل اساسی و

(۳۰۴) بنا بر گزارشهای اماری (Statistical Account) در برخی از نواحی اسکاتلند لباسا
 ... گوسفندچرانان و دهقانان (cotters) بسیاری مشاهده شدند که حمده و زن و نرزنشان
 کفشهایی بیاداشتند که از چرم دباغی کرده خویش دوخته بودند، و لباسهایی بتن - استند که هیچ
 دستی بخیراز دست خود آنها در آن مداخله ای نکرده بود و پارچه آن لباسهارانیر خودشان
 پشم گوسفند آن خویش که خود چیده و یا از کتانی که خود کاشته بودند بافته بودند. اگر ما در فن
 سوزن، انگشتانه و آهن آلات بسیار نادری را که بکار بافندگی میخورد مستثنی کنیم، در مهبیا ساختن
 پوشاکهای مزبور هیچ شئی خریداری شده دیده نخواهد شد. رنگهارانیر زنان خود از درختها،
 بوته ها و علفها گرفته اند و غیره.
 (Dugald Stewart: "Works", Edit. Hamilton, T. VIII, P. 327-328).

(۳۰۵) در اثر مشهور اتین بوالو (تحت عنوان "Livre des metiers" (پیشه نامه) از جمله
 چنین توصیف میشود: «هر شاگرد آنگاه که در سلك استادان پذیرفته میشود باید سوگند یاد کند که
 برادران خود را برادرانه دوست داشته باشد و هر يك از آنان را در انجام پیشه خود یار و مددکار
 باشد، هیچگاه عدا اسرار حرفه را فاش نسازد و برای مصالح رسته، حتی بمنظور خوب جلوه دادن
 کالاهای خود خریداران را از عیوب کالاهای بد ساخته شده آگاه نسازد».

(x) Etienne Boileau (۱۲۰۰-۱۲۷۰) - کلانتر اصناف پاریس در زمان پادشاهی سن
 لویی. اثر مشهور وی "پیشه نامه" مجموعه گرانبهایی از عادات، مقررات و فرمانهای زمان خود
 باره رسته ها، بازرگانان و پیشه وران است.

عده حرکت را، که علی رغم تنوع ادوات و افزار مورد استفادۀ در چهار دیواران ضرورتاً کلیه اعمال مولد بدن انسانی انجام میگیرند، کشف مینماید. هیچگاه صنعت جدید شکل موجود یک پروسه تولیدی را بنابر شکل قطعی آن تلقی نمیکند. بنابراین پایه قی صنعت بزرگ انقلابی است در صورتیکه پایه قی کلیسیایی شیوه های پیشین تولید ذاتاً محافظه کار بود. است (۳۰۶). صنعت بزرگ بوسیله ماشین آلات، پروسه های شیمیائی و اسلوه های دیگر ائما پایه قی تولید و بهر آه آن وظایف کارگران و در هم بست اجتماعی پروسه کار را در گون میسازد. بنابراین وی تقسیم کار در درون جامعه را نیز پیوسته منقلب میکند و لایق قطع توده های سرمایه و کارگر را از یک رشته تولید برشته دیگر پرتاب مینماید. پس ماهیت صنعت بزرگ با تغییر و تبدیل کار، با ناستواری مشاغل، و تحرك همه جانبه کارگر ملازمه دارد. از سوی دیگر صنعت مزبور تقسیم کار کهن و خصوصیات محجوشده آنرا در شکل سرمایه داری از نو زنده میکند. فوقاً دیدیم چگونه این تناقض مطلق هرگونه آرامش، ثبات و امنیت را از زندگی کارگر سلب میکند و پیوسته با خراج ساختن وسیله کار و مسائل زندگی را از کف او میرباید (۳۰۷) و پورا در معرض این تهدید قرار میدهد که با بیفایده ساختن کار جزئی وی خود او را نیز بیهوده و عاطل سازد. همچنین دیده شد که چگونه ایسب تناقض د ائما جماعتی از طبقه کارگر رابنا بودی میکشاند، موجب بی بند و بارترین اتلاف نیروهای کسار میگردد و به تهاهی های ناشی از هرج و مرج اجتماعی میانجامد. اینها جهت منفی مسئله است. ولی اگر اکنون عوض شدن کارها فقط مانند قانون جبری طبیعت نمودار میشود و تا شیروران کنندۀ آن نظیر قانونی طبیعی است که کور کورانه تحمیل میگردد و همه جابجوانع برخورد میکند (۳۰۸)، معذ لك صنعت بزرگ

(۳۰۶) بورژوازی قادر بر زیستن نیست مگر آنکه پیوسته در افزار تولید و بالنتیجه در مناسبات تولیدی و لذادر مجموع مناسبات اجتماعی انقلاب کند. بعکس نخستین شرط حیاتی کلیه طبقات صنعتی پیشین عبارت از نگاهداری می تغییر شیوه کهنه تولید بود. است. منقلب ساختن مستمر تولید، بتکان در آوردن بدون انقطاع کلیه شرایط اجتماعی، بی آرامی و تحرك دائمی، دوران بورژوازی را از دوره های دیگر متفاوت میسازد. تمام مناسبات ثابت و زنگ زده با موبک افکار و نظریاتی که از فرط سالخوردگی مورد احترامند، تحلیل میروند و هر چیز تازه ای پیش از آنکه بتواند جایگزین کهنه میگردد. هر چه سخت و استوار است درود میشود و آنچه مقدس است بی حرمت میگردد و سرانجام انسانها مجبورند بوضع زندگی و مناسبات متقابل خویش بادید گانی هشیار بنگرند. (فرد ریش انگلس و کارل مارکس. "مانیفست حزب کمونیست" لندن ۱۸۴۸، صفحه ۵).

" You take my life (شکسپیر) (۳۰۷)

when you do take the means whereby I live !

"گویی که زندگی را بستاند. ای زمن گرساز و برگ زندگی از من ستاند. ای

از تماشنامه سوداگر و نیری - پرده چهارم - صحنه اول.

(۳۰۸) يك کارگر فرانسوی پس از بازگشت خود از سانفرانسیسکو مینویسد: " هرگز باور نمیکردم که من قادر باشم کلیه پیشه هائی را که در کالیفرنیا انجام دادم اجرا نمایم. من اعتقاد را سخ داشتیم که بجز کار چاپخانه شایسته انجام کار دیگری نیستیم. ولی وقتی یکبار در میان آن ماجراجویانی قرار گرفتیم که حرفه خود را آسانتر از پیراهنشان عوض میکنند من نیز راه خود را مانند دیگران یافتیم. نظر باینکه کار در معادن باندازه کافی سود آور نبود آنکار را رها کرده بشهر آمدیم و در آنجایی در پی به مشاغل حروفچینی، سفالگری و سربگری و غیره پرداختیم. پس از این آزمایش و اثبات این امر که من شایسته انجام هر نوع کاری هستم خوشترانسان و کمتر صدف احساس میکنم."

(A. Corbon: "De l'enseignement professionnelle"; 2^e ed. Paris 1860, P. 50

بوسیله همین بلیاتیکه خود بوجود میآورد ، موجب میشود که مسئله تعویض کارها و بالتبع همه جانبه شدن هر قدر بیشتر کارگران بمسئله مرگ و زندگی تهدید گردد ، مانند قانون عام تولید اجتماعی تلقی شود و منافاتی که با تحقق عادی این قانون انطباق داشته باشد بوجود آید . آری صنعت بزرگ تغییر این تیره روزی وحشتناک را بمسئله حیات و ممات مبدل میکند و بجای توده کارگرانی که بمشابه ذخیره بمظهور رفع حوائج گوناگون بهره کشی ، در اختیار سرمایه قرار دادند ، آمادگی مطلق انسانرا برای تغییر مقتضای نیازمندیهای گوناگون کار بوجود میآورد ؛ شخصیت تجزیه شده " انسانی را که بصورت مجری ساده وظیفه جزئی اجتماعی درآمده است ، مبدل بشخصیت تماماً تکامل یافته ای میکند ، که برای وی وظایف متنوع اجتماعی مهارتند از شیوه های مختلفه یک فعالیت تعویض پذیر . یکی از مراحل این پروسه تحویلی ، که بطور طبیعی بر اساس صنعت بزرگ روئیده است ، مدارس پلی تکنیک و کشاورزی هستند و مرحله دیگران آموزشگاههای حرفه ایست که در آن اطفال کارگران برخی از مبادی تکنولوژی میآموزند و پائنها بکار بردن عملی افزارهای مختلفه تولید امیخته میشود .

اگر قانون کارخانجات که خود نخستین امتیاز تحمیل شده بسرمایه است ، آموزش ابتدائی را بطور ناقص با کارخانه ترکیب نمود ، مسلم است که با تسخیر اجتناب ناپذیر قدرت سیاسی بوسیله طبقه کارگر آموزش تکنولوژی نظری و عملی جای خود را در آموزشگاههای کارگری بدست خواهد آورد . و نیز کوچکترین تردیدی در این باره نیست که شکل سرمایه داری تولید و شرایط اقتصادی ای که بمقتضای آن برای کارگران بوجود آمده است با چنین ماهه های انقلابی و هدفان ، که عبارت از حذف تقسیم کار قدیم است ، در تضاد مطلق قرار میگیرد . ولی تحول تضاد های یک شکل تاریخی تولید یگانه راه تاریخی " تحلیل آن تضاد ها و پیدایش شکل نوین است . از آنروز که وات ساعت ساز ماشین بخار اختراع کرد و ارکرایت روش تراش دستگاه نساجی تجربی را کشف نمود و فولتون زرگر کشتی بخار ساخت ، برترین قله حکمت پیشه ورانه که در این عبارت خلاصه میشود : *Ne sutor ultra crepidam* " *کفشگر را بگذارند از کفشش فراتر* .

قانونگذاری کارخانه ای که نظم و ترتیبی برای کار در کارخانه ها ، مانوفاکتورها و غیره مقرر نمود در آغاز کار فقط بصورت مداخله ای در مورد حق بهره کشی سرمایه بنظر آمد . ولی بعکس تصویب هرگونه مقرراتی در

(۳۹) چون پلرس که واقعا پدید ای در تاریخ علم اقتصاد است ، حتی در پایان قرن ۱۷ با وضوح تمام ضرورت حذف آموزش زمان خود و تقسیم کار را دریافته بود ، که موجد هیپرتروفی *Hypertrophie* (نوعی طبیعی) و آتروفی *Atrophie* (واماندگی) درد و کرانه جامعه و درجات متقابل است . از جمله وی چه خوب میگوید که : " ارزش دانشی تن آسان بیش از علم تن آسانی نیست . . . کاربردنی عبارت از بنیانی است که خداوند از روز نخست نهادهاست . . . کار همان اندازه برای سلامت بدن لازمست که خوردن برای زنده ماندن بدن ضرورت دارد ، زیرا آن رنجبائی ، که تن آسانی موجب اجتناب از آنهاست ، در نتیجه بیماری عاید میگردد . . . کارروغن بچراغ زندگی میریزد ولی آند پشیدن آنرا روشن میسازد . . . آن مشغولیتی که نابخردی کودکانه دارد (این جمله چقدر علیه باز دو *Basedow* (ه) و دو چاق کتسهای جد پد وی پیشگویانه است) ذهن کودک را همچنان بلید نگه میدارد ؟

(" Proposals for raising a Colledge of Industry of all useful Trades and Husbandry " , London 1696, P. 12, 14, 18).

(ه) یوهان برنادر باز دو *Johann, Bernhard Basedow* (۱۷۲۳-۱۷۹۰) - جامعه شناس آلمانی که مبتکر پیشنهاد های اصلاحی در زمینه آموزش و پرورش بود . است .

مورد آنچه کارخانگی (۱۱۰) خوانده می‌شد بلافاصله بمنزله تعرضی مستقیم به قدرت پسند ری " patria potestas " تلقی گردید یعنی اگر خواهیم انرا بزبان جدید تعبیر کنیم باید بگوئیم تجاوری نسبت به اختیارات والدین اطفال شمرده شد و پارلمان پراعاطفه انگلستان مدتها چینی و نمود میکرد که از اتخاذ تصمیم در این مورد احتراز دارد . ولی سرانجام حکم واقعیات و بواقبول این نکته واداشت که صنعت بزرگ بابرهم زدن پایه اقتصادی زندگی خاندهانی قدیم و کارخانه ای منطبق با آن ، مناسبات خانوادگی کهن را نیز فرو میریزد . حق کودک میبایستی اعلام میگردد . در نتیجه گیری گزارش سال ۱۸۶۶ کمیسیون کارکودکان چنین گفته شده است : " بد بختانه از مجموع شهادت‌هایی که داده شده است چنین برمیآید که کودکان هر دو جنس پیش از همه علیه اولیا خودند . سیستم بهره کشی برون از انداز از کارکودکان بجامرعموم و کارخانگی ببالاخص از انجهت باید ارمانده است " که اولیا اطفال نسبت بفرزند آن خرد سال ولطیف خویش قدرتی خود سرانه و شوم اعمال میکنند بدون آنکه هیچگونه قید و بندی مانع آنان باشد . . . پدران و مادران اطفال نباید دارای چنان قدرت مطلق باشند که بتوانند فرزند آن خود را مدلل به ماشین‌هایی نمایند که همه هفته فلان یا بهمان مقدار دستمزدها تحویل دهند . . . کودکان و جوانان حق دارند که از حمایت قانونگذار در برابر سوءاستفاده ای ، که از اختیار ولایت میشود و نیروی جسمانی آنان را بیهنگام میشکند و آنها را در زمینه زندگی اخلاقی و فیزیکی تنزل میدهد ، برخوردار گردند " (۳۱۱) .

ولی این سوءاستفاده از اختیار ولایت نیست که بهره کشی مستقیم یا غیر مستقیم نیروی نارس کار را بوسیله سرمایه بوجود آورده است بلکه بعکس شیوه استثمار سرمایه دار است که با از بین بردن پایه اقتصادی قدرت پدری موجب سوءاستفاده از این اختیار گردیده است . هر چند که انحلال زندگی خانوادگی قدیم در درون سیستم سرمایه داری وحشتناک و چندش آور جلوه کند معذک این نکته مسلم است ، که صنعت بزرگ بانقش قاطعی که بزنان ، جوانان و کودکان هر دو جنس در پروسه سازمان یافته تولید اجتماعی در خارج از محیط زندگی خانوادگی تفویض میکند ، پایه اقتصادی نوینی برای شکل عالیتر خانواده و مناسبات بین دو جنس بوجود میآورد . بدیهی است که مطلق انگاشتن شکل ژرمانوسمیخانواده همانقدر غیر منطقی و باطل است که تصور مطلقیت در باره شکل باستانی رومی و یونانی یا شکل شرقی خانواده ، یعنی اشکالی که نمونه خود سلسله ای از تحولات تاریخی را تشکیل میدهند . و نیز این نکته محقق است که هر چند در شکل خود رو و خشن سرمایه داری ، یعنی در شکلی که کارگر برای پروسه تولید است نه پروسه تولید برای کارگر ، ترکیب پرسنلی کار جمعی از افراد هر دو جنس و از هر طبقه سنی ، سرچشمه زهرالود فساد و بنده بهره‌وری است ، معذک ، در صورتیکه شرایط مساعد فراهم آید ، همین پدیده بعکس باید مدلل بصر چشمه قیاضی از تکامل انسان منبسط گردند (۳۱۲) .

قانون کارخانجات در آغاز امر تنها یک قانون استثنائی بود که شامل حال ریسندگیها و بافندگیها ، نخستین شکل صنعت ماشینی ، میشد . سپس ضرورت موجب تصمیم آن قانون بتمام تولید اجتماعی گردید .

(۱۱۰) این نوع کار بطور عمده در کارگاههای کوچک نیز معمول است مانند آنچه که در مورد بانوفاکتورهای توری بافی و حصیر بافی مشاهده شد . ولی میتوان انرا بصورت بارزتری در مورد بانوفاکتورهای فلزکاری از جمله در سفید و بیرنگام و غیره نیز دید .

(۱۱۱) " Child. Empl. Comm., V. Rep. ", P. XXV, N. 162, II. Rep., P. XXXVIII, N, 285, 289, P. XXXV, N. 191.

(۱۱۲) " کار کارخانه میتواند عینا باندازه کارخانگی بی‌آلایش و لذت بخش باشد و حتی شاید بیشتر از آن " ("Rep. of Insp. of Fact., 31 st. Oct. 1865", F. 127).

و چنانکه دیده شد این ضرورت از سیر تاریخی تحول خود صنعت بزرگ برخاست، که بر مبنای آن شکل سنتی مانوفاکتور، و کارپیشه ورانه و خانگی از بنیاد زهرور گردید. چنانکه مانوفاکتور اتمام دل بکارخانه و پیشه وری پیوسته جای خود را به مانوفاکتور و امیکد اشت، تا سرانجام محیط کار دست و کار خانگی بطور شکفت انگیز در دست نی بالنسبه کوتاه بصورت غمگه های د لخراشی در آمد که در میان آن ناپسند ترین اشکال استثمار سرمایه داری بصورت وحشتناکی آزادی عمل یافت. در مورد تعمیم قانون مزبور دو واقعه نقش قاطع داشته اند: نخست تجربه مرتباً تکرار شده ای نشان داد که سرمایه، تا هنگامیکه کنترل دولتی فقط بر برخی از نقاط جنبی جامعه اعمال میشود، تلاقی خود را بنحو خارج از اندازه ای پس نقاط دیگر در میآورد (۳۱۳)، و در ثانی فریاد و فغان خود سرمایه داران در باره برابری در شرایط رقابت یا عبارت دیگر حد و مساوی در مورد بهره کشی کارموثر افتاد (۳۱۴). در این باره به دو فریادی که از دل برخواستند است گوش کنیم. آقایان و. کوکسلی W. Cooksley (میخ و زنجیر سازان بریستول Bristol) د اوطالبانه مقررات کارخانه ای را در موسسه خویش وارد ساختند. چون اسلوب بیقاعده قدیمی همچنان در موسسات همسایه ادامه دارد آنان مجبورند تن باین توهین بدهند که کارگران کمال آنها پس از ساعت ۶ عصر برای ادامه کار بجای دیگر جلب شوند (enticed). طبیعتاً آنها میگویند: «این هم بیعدالتی در باره ماست و هم زیان آراست زیرا قسمتی از نیروی پسران، که تمام و کمال از آن ماست، از بین میرود» (۳۱۵).

آقای جی. سیپسون J. Simpson (صاحب کارخانه قوطی و کیسه کاغذی سازی در لندن) به بازرسان کمیسیون کارکودکان چنین توضیح میدهد: «که وی آماده است هرگونه تقاضایی را در باره اجرا قانون کارخانجات امضا نماید. ولی در وضع کنونی، وی شبها پس از بسته شدن کارگاهش اصلاً آرام ندارد و این قرار آزار میدهد که دیگران زیاد تر کار میکنند و سفارشها را از دم گوش او بلند میکنند» (۳۱۶) و کمیسیون کارکودکان چنین جمع بندی میکند: «نسبت به کارفرمایان بزرگ کمال بیعدالتی خواهد بود اگر قرار باشد کارخانه های آنها را مشمول مقررات بنمائیم در حالیکه کارگاههای کوچکتری که بهمان نوع کار اشتغال دارند هیچگونه محدودیت قانونی برای زمان کارند داشته باشند. علاوه بر بیعدالتی ای که از لحاظ نابرابری شرایط رقابت در مورد ساعات کار و استثناء نمودن کارگاههای کوچک بروز میکند، زبان دیگری نیز برای کارخانه داران بزرگ پیدا میشود و آن اینست که ذخیره کارگری آنها یعنی جوانان و زنان بسوی کارگاههایی که قانوناً معاف شده اند متوجه میگردد. و بالاخره این وضع محرك افزایش کارگاههای کوچک میشود، که بدون استثناء از لحاظ سلامت، آسایش، پرورش و پیشرفت خلق، در وضع نامساعد تر هستند» (۳۱۷).

در آخرین گزارش خود کمیسیون کارکودکان پیشنهاد میکند که بیش از ۱۴۰۰۰۰۰ کودک، جوان و زن را که تقریباً نیمی از آنها بوسیله موسسات کوچک و کارخانگی است مشمول قانون قرار

(۳۳) همان گزارش - صفحه ۲۷-۲۲

(۳۴) در این مورد میتوان اسناد بسیاری در گزارشهای بازرسان کارخانجات بدست آورد.

" Child. Empl. Comm., V. Rep. P. X, N. 35. (۳۵)

" Child. Empl. Comm., V. Report ", P. IX, N. 28. (۳۶)

(۳۷) در همانجا صفحه XXV، شماره های ۱۶۵-۱۶۷ در مورد محاسن موسسات بزرگ نسبت به

موسسات کوچک به گزارش کمیسیون کارکودکان، گزارش سوم، صفحه ۱۳ شماره ۱۴۴، صفحه ۲۵ شماره

۱۲۱، صفحه ۲۶ شماره ۱۲۵، صفحه ۲۷ شماره ۱۴۰ و غیره رجوع شود.

کارخانجات نمایند (۳۱۸) • کمیسیون مزبور میگوید: • چنانچه پارلمان پیشنهاد ما را در مجموع خود بطور کامل بپذیرد، بدون شك چنین قانونگذاری نه تنها تا میکرونی در باره جوانان و ضعفا، که در مرحله اول با آنها میبرد آزد، خواهد داشت بلکه همچنین تا "تیرسود ضدی در مورد توده کثیر کارگران نیز، کسه مستقیما (مانند زنان) و غیر مستقیم (مانند مردان) تحت شمول قانون قرار میگیرند، خواهد نمود. قانون مزبور ساعات کار منظم و معتدلی بانها تحمیل خواهد نمود؛ ذخیره نیروی جسمانی را، که هم سلامت کارگران و هم شکوفندگی کشور وابسته بآنست، با صرفه جویی اداره نموده بآن میافزاید، مانع از آن خواهد شد که نسل بالنده، در ابدت ای زندگی، نیروی خویش را بنحوی زیاد مصرف کند که بساختنمان بدنی وی زیان وارد آورد و آنرا زود تر از موقع به تهایی کشاند؛ و بالاخره وضع چنین قانونی موجب آن میشود که لااقل تا سن ۱۳ سالگی اطفال بتوانند آموزشی ابتدائی دریافت دارند و بالنتیجه بیه این نادانی مایور نکردنی، که گزارش کمیسیونها دقیقا توصیف میکنند و نمیتوان آنرا جز با خاطری پر از تاگم واحساس آکنده از تحقیر ملی تلقی نمود، پایان بخشد" (۳۱۹) • در نطق شاهانه • قهریه ۱۸۶۷ دولت توری (حزب محافظه کار) اطلاع داد که پیشنهاد های کمیسیون بازرسی صنعتی را بصورت طرح قانونی تهیه نموده است (۳۱۹a) • پس انجام این امر مستلزم بیست سال دیگر تجزیه بر پیکر جسانسدار (Experimentum in corpore vili) بود. در سال ۱۸۴۰ بود که يك کمیسیون پارلمانی تحقیق در باره کار کودکان تعیین گردید. بنا بر اظهارات ن • و • سنیر کمیسیون مزبور در گزارش ۱۸۴۲ خویش "وحشتناکترین تصویرها را که تا آنوقت چشم جهان ندیده بود از آزمندی، خودخواهی و سنگدلی سرمایه داران و اولیا اطفال، از تیره روزی، تهایی و انحطاط کودکان و جوانان ترسیم نمود • • • شاید گمان برده شود که این زشتی ها از آن دوران سپری شده ایمت • ولی متاسفانه گزارشهایی در بر اسپر است که نشان میدهند این سیاهکاری بهمان شدت گذشته همچنان ادامه دارد. جزوه ای که در دو کتاب پیش هاردویک Hardwicke منتشر ساخت، نشان میدهد که سوء استفاده های افشا شده سال

(۳۱۸) صنایعی که بایستی مشمول قانون میشدند عبارت بودند از: توری بافی، کشبافی، حصیر بافی، مانوفاکتور متعلقات لباس و انواع بی شمار آن، گل صنوعی سازی، کفافی، کلاه و دستکش دوزی، خیاطی، کلیه کارخانجات فلزکاری، از کوره های بلند مرتفعه گرفته تا سوزن سازی و غیره، کارخانه کاغذ سازی، مانوفاکتور شیشه گری، مانوفاکتور توتون، کارخانه های کائوچوک، گل دوزی (برای نساجی)، قالببافی، مانوفاکتور چتر سازی، دوك و قرقره سازی، چاپ کتاب، صحافی، نوشت افزار (Stationery)، که در جزه آن قوطی کاغذی، ورق، رنگ برای کاغذ و غیره نیز وارد است)، طناب بافی، مانوفاکتور زیر الا از عقیق، آجر پزی، ابریشم دستباف، رویان ابریشمی، کارگاههای نك، شمع و سفنت، قند تصفیه شده، بیسکویت سازی، کارهای مختلفه ای از چوب و کارهای متفرقه دیگر.

(۳۱۹) " Child. Empl. Comm., V. Rep.", P. XXV. N. 169

(۳۱۹) قانون در باره سرایت مقررات قانون کارخانجات (Factory Acts Extension Act) در ۱۲ اوت ۱۸۶۷ تصویب شد. قانون مزبور کلیه فلزگدازها، آهنگریها و مانوفاکتورها بانضمام کارخانه های ماشین سازی را تحت مقررات قرار میدهد و همچنین مانوفاکتورهای شیشه گری، کاغذ ساز، سمغ، کائوچوک، توتون، چاپ کتاب، صحافی و بالاخره کلیه کارگاههایی را که بیش از ۵۰ نفر در استخدام داشته باشند مشمول مقررات قانونی میسازد. قانون تنظیم ساعات کار (Hours of Labour Regulation Act) که در ۱۷ اوت ۱۸۷۷ بتصویب رسید، کارگاههای کوچک و آنچه را که کارخانگی نامیده میشود، تحت قاعده در آورد. در باره این قوانین و قانون جدید معادن (Mining Act) مصوب سال ۱۸۷۲ و غیره در جلد دوم باز سخن خواهیم گفت •

۱۸۴۲ در همین روزگار ما (۱۸۶۳) کمال شکوفندگی دارند ۰۰۰ این گزارش (گزارش سال ۱۸۴۲) ۲۰ سال تمام بدون آنکه توجهی بآن شود خوابید، در حالیکه در این مدت اطفال مورد بحث آن بزرگ شده بودند بدون آنکه نه کوچکترین تصویری از آنچه ما اخلاق میخوانیم داشته باشند و نه از آموزش دبستانی، مذهب یا عشق طبیعی خانوادگی خبری - باین چنین کودکانی اجازه داده شد که اولیا^۱ نسل کنونی گردند^۲ (۳۲۰).

در این اثنا^۳ وضع اجتماعی تغییر یافته بود. پارلمان دیگر جرأت نداشت خواستههای کمیسیون سال ۱۸۶۳ را ندیده بگیرد و همانطور که در گذشته با گزارش ۱۸۴۲ رفتار کرده بود با آن برخورد نماید. بنابراین از آغاز سال ۱۸۶۴، در حالیکه کمیسیون تازه فقط قسمتی از گزارش خود را منتشر نمود. بود، صنایع گلین (بضمیمه کوزه گری)، کارخانجات کاغذ دیوار سازی، کبریت سازی، فشنگ سازی، کپسول سازی و همچنین کارخانه های پشت کرکی بافی مشمول مقرراتی گردید که درباره صنایع پارچه بافی جاری بود. در خطابه شاهانه^۴ فهریه ۱۸۶۷ کابینه توری وقت طرحهای قانونی ای، مبتنی بر پیشنهاد های نهائی کمیسیون که در جریان سال ۱۸۶۶ بکار خود پایان داده بود، باستحضار رساند.

در ۱۵ اوت ۱۸۶۷ قانون مربوط به توسعه شمول قوانین کارخانجات (Factory Acts Extention Act) و در ۲۱ اوت همانسال قانون مربوط به مقررات کارگاهها (Workshops' Regulation Act) به توشیح پادشاه رسید. از این دو قانون اولی بنگاههای بزرگ و دومی بنگاههای کوچک را تحت مقررات قانونی در میآورد.

کوره های بلند، کارخانه های آهنگری و مسگری، فلزکدازها، ماشین سازیها، فلزکاریها، کارگاههای چسب، کاغذ، شیشه، توتون و همچنین چاپخانه ها و صحافی ها و بطور کلی کلیه کارگاههای صنعتی از این نوع که در زمان واحد ۵۰ نفر یا بیشتر در استخدام دارند و لااقل ۱۰۰ روز در سال بکار مشغول هستند، بوسیله قانون توسعه شمول قانون کارخانجات تحت مقررات قانونی در میآیند.

برای اینکه بتوان تصویری از وسعت دامنه شمول این قانون داشت برخی از تعاریفی را که در قانون مزبور داده شده است ذیلا میآوریم:

"مقصود از پیشه در این قانون هر نوع کار دستی ای است که بصورت حرفه ای یا بظهور جلب نفع انجام میشود و بساختن کالائی یا جزئی از یک کالا میپردازد، آنرا تغییر میدهد، تعمیر میکند، انرازیست میدهد، صیقل میدهد و یا انرا بنحوی از انحا^۵ آماده فروش بصورت کالا یا بصورت جزئی از ان مینماید، غرض از کارگاه مردکان یا محلی است که در درون ان، اعم از اینکه سرپوشیده و یا سر باز باشد، بوسیله یک کودک، یک کارگر جوان یا یک کارگر پیشه ای انجام میگردد و آنکس که کودک و کارگر جوان و زن کارگر را استخدام کرده است حق دارد در آنجا وارد شود و کنترل نماید، شاغل آنکسی است که در پیشه ای خواه بازا^۶ مزد و خواه بدون مزد تحت نظریکنفر استاد یا یکی از اولیا^۷ خود کار میکند،

"اولیا^۸ عبارتند از: پدر، مادر، سرپرست یا هر شخص دیگری که نسبت به طفل یا کارگر جوانی سمت سرپرستی یا حق نظارت داشته باشند."

ماده ۷ که محتوی مجازات تخلف از مقررات مربوط به اشتغال کودکان، کارگران جوان و زنان کارگر است نه تنها کارفرما، اقوام و غیره را مشمول جریمه نقدی میسازد بلکه مجازات مزبور را به "پدر و مادر و اشخاص دیگری که سرپرستی کودک، کارگر جوان و زن را بعهده دارند و یا مستقیماً از کار آنان بهره مند میشوند" نیز سرایت میدهد.

قانون توسعه شمول قانون کارخانجات، که مربوط به بنگاههای بزرگ میشود، در نتیجه یسک سلسله استثنا تراشیهای حقارت آمیز و سازشکاریهای بزد لانه با سرمایه داران، نسبت بقانون کارخانجات گامی بعقب است.

قانون مربوط بمقررات کارگاهها، که بیچارگی از تمام اجزای آن میبارد، در دست ما مورین شهرد آر وکارمند آن محلی که ما مور اجرا آن بودند، به صورت کلمات بیجانیه باقیماند. آنگاه که در سال ۱۸۷۱ پارلمان این اختیار تام را از آنها سلب نمود انرا به بازرسان کارخانجات واگذر کرد یکباره بیش از یکصد هزار کارگاه و ۳۰۰ آجر بزی را به د اثره مسئولیت آنها افزود ولی فقط هشت عضو کمکی به پرسنل بسیار ناچیز آنها افزود (۳۲۱).

بنابراین آنچه در مورد این قانونگزاری ۱۸۶۷ انگلستان جلب نظر میکند اینست که از طرفی ضرورت، پارلمان طبقات حاکمه را مجبور مینماید که آنچنان مقررات فوق العاده و پردامنه ای را علیه زیاده رویهای بهره کشی سرمایه داری اصولا بپذیرند و از سوی دیگر تزلزل، اکراه و سوء نیتی رانشان میدهد که همراه با اجرا این مقررات بوده است.

کمیسیون رسیدگی ۱۸۶۲ در باره صنایع معدنی نیز تصویب مقررات جدیدی را پیشنهاد نمود. این پیشنهاد هاد مورد صنعتی بود که با کلیه رشته های دیگر از این جهت تفاوت داشت که در آن منافع مالکین زمین و سرمایه داران صنعتی بهم درمی آمیخت. تضادی که بین این دو منافع وجود داشت موجب تسهیل قانونگزاری کارخانه ها شد. بود ولی قعدان این تضاد بخودی خود برای توضیح کش دادنها و موش کشیهایی که در مورد قانون معادن روی داد کافیست.

کمیسیون رسیدگی ۱۸۴۰ آنچنان مطالب وحشتناک و برانگیزنده ای افشا نمود و موجب انچنان رسوائی ای در برابر تمام اروپا گردید که پارلمان مجبور شد وجدان خود را با تصویب قانون معادن ۱۸۴۲ اسوده سازد، قانونی که فقط به منوع ساختن کار زهر زینی زنان و کودکان کمتر از ده سال قناعت مینمود. سپس در سال ۱۸۶۰ قانون بازرسی معادن (Mines' Inspection Act) وضع گردید. طبق این قانون موسسات معدنی میبایستی بوسیله بازرسان دولتی که بویژه برای این منظر تعیین میگرددند بازرسی شوند و نباید پسران بین ۱۰ تا ۱۲ سال را در موسسات مزبور بپذیرند مگر اینکه انسان دارنده گواهینامه دبستان باشند و یا ساعات معینی به مدرسه بروند. این قانون در نتیجه آنکه عده بازرسان انتخاب شده بنحو مضحکی ناچیز و اختیارات آنان محدود بود و نیز نظر بعامل دیگری که بعدا خواهیم دید، فقط بروی کاغذ باقی ماند.

یکی از آخرین کتابهای ایی در باره معادن گزارش است تحت عنوان:
" Report from the Select Committee on Mines, together with...
Evidence, 23. July 1866 "

گزارش مزبور اثر کمیسیونی مرکب از اعضا مجلس عوام است که اختیار دعوت شهود و تحقیق از آنان را نیز داشته است. این کتاب قطوری است که در آن خود گزارش فقط پنج سطر است بدین مضمون که کمیسیون چیزی نمیتواند بگوید و بایستی از شهود بیشتری تحقیق بعمل آید!
نحوه استماع شهود طریقه ای را بیاد میآورد که در محاکم انگلستان برای تحقیق از شهود مرسوم

(۳۲۱) پرسنل اداره بازرسی کارخانجات مرکب بود از ۲ بازرسی، ۲ بازرسی پارو ۴ معاون. در سال ۱۸۷۱ هشت معاون دیگریان اضافه شد. مجموع هزینه اجرا قانون کارخانجات در انگلستان، اسکاتلند و ایرلند در سال مالی ۱۸۷۱-۷۲ فقط بالغه ۲۵۲۴۷ لیره استرلینگ میشد که در جزه آن مخارج محاکمات علیه متخلفین از قانون نیز بحساب آمد.